دانشگاه کردستان

مرکز پژوهشهای کردستانشناسی
انتشارات دانشگاه کردستان

مسأله کُرد

بررسی تاریخی و جامعه شناسی

ژویس بلو

ترجمه: دکتر پرویز امین
عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات
دانشگاه کردستان

بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی
مسئله کرد

کتاب آرتا

بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی مسئله کرد

نویسنده

ژویس بلو

ترجمه

پرویز امینی

دانشگاه کردستان

Blau, Joyce
بلو، ژویس
بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی مسئله کرد / مؤلف ژویس بلو؛ ترجمه پرویز امینی. ــ تهران : شالوده، ۱۳۷۹.
ه، ۱۰۷ ص.
ISBN : 964 - 90248 - 2 - 4
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
ص.ع. به فرانسه : Problem kurdi essai sousieleji et historikue.
کتابنامه : ص. ۱۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. کردان. الف. امینی، پرویز، ۱۳۲۱ ــ ، مترجم. ب. عنوان.
۸ ب ۴ ک / DS ۵۹   ۹۵۶ / ۰۰۴۹۱۵۹
۱۳۷۹
کتابخانه ملی ایران   ۷۸ ــ ۲۸۲۵۱ م

دانشگاه کردستان
سنندج، خیابان پاسداران، دانشگاه کردستان انتشارات دانشگاه کردستان
تلفن : ۶۳ ــ ۶۶۶۰۰۶۰   نمابر : ۶۶۶۰۰۷۰

نام کتاب : **بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی مسئله کرد**

نام نویسنده : **ژویس بلو**

نام مترجم : **پرویز امینی**

چاپ اول : **پائیز ۱۳۷۹**

تیراژ : **۳۳۰۰ نسخه**

مجری : **نشر شالوده   تلفن : ۲۲۷۱۳۳۳**

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه مترجم

بر حسب اتفاق رساله بررسی جامعه شناسی و تاریخی مساله کرد، که بعنوان پیش درآمدی بر تحولات و دگرگونیهای جهان اسلامی معاصر است را مطالعه می‌کردم و با علم به اینکه کردهای مسلمان نیز در این تحولات سهم بسزایی داشته و دارند بر آن شدم که این رساله را به فارسی برگردانم باشد تا بدینوسیله خدمتی کرده باشم.

تا کنون کتابهای متعددی درباره تاریخ، جغرافیا، زبان و ادبیات و فولکلور کرد نوشته شده، لکن هیچکدام تحلیل جامعی از موقعیت کردها در طول تاریخ و نقشی که امپریالیسم شرق و غرب در این میان بازی کرده اند بدست نمی‌دهند در حالیکه نوشته حاضر بخوبی از عهدهٔ این مهم برآمده و به صراحت نشان می‌دهد که چگونه ابرقدرتهای وقت به عناوین مختلف و به خاطر غارت و چپاول منافع سرشار ملت‌های ستمدیده از هر موقعیتی به نفع خود استفاده نموده و با الفاظ پرطمطراق از احساسات پاک و بی شائبه آنها سود جسته و آنها را

بازیچه دست خود قرار داده اند؛ و بمحض دستیابی به نیات پلید خود آنان را در وادی حیرت رها کرده اند و هیچگاه به عنوان حامیان واقعی برای حل مساله کرد چاره اندیشی ننموده اند. نمونه‌های بیشماری از عهدنامه‌ها و مقاوله نامه‌های بین المللی را در این باره می‌توان ذکر نمود که گرچه به ظاهر به خاطر حل مساله کرد بوده لکن در باطن اهداف شوم خود را تعقیب می‌نموده اند و پس از حصول نتیجه جز کاغذ پاره‌ای اثری از آنها برجای نمانده است.

امید است که این رساله به ظاهر کوچک ولی پر محتوا بتواند خوانندگان گرامی را به واقعیت امر آشنا نموده تا با روشن بینی خود درباره اصل مساله قضاوت کنند.

پرویز-امینی

مقدمه مؤلف

در میان مسایل مهم جهان اسلامی معاصر، مساله‌ای که تا کنون کمتر بدان توجه شده و یا اسلام شناسان آنرا بدست فراموشی سپرده اند و یا حتی از آن اظهار بی‌اطلاعی می کنند، مساله کرد است. شاید بدان جهت است که این مساله در میان دنیای ترک و عرب و فارس قرار گرفته وبرای متخصصین این زمینه یک مساله فرعی و ثانوی است. علت دیگر این امر آنست که تا کنون مقالات و نوشته‌های متعددی در زمینه‌های جغرافیایی، تاریخی، جامعه شناسی و فرهنگی در باره فلان منطقه کردنشین به رشته تحریر در آمده ولی هیچگاه درباره مساله کرد آنطوریکه مورد نظر است مطالعات کلی انجام نگرفته است. بهمین جهت فکر می کنم بررسی ای که شروع نموده ایم از نظر خوانندگان بسیار جالب و با ارزش باشد. در حال حاضر مساله کرد، در میان مسایل داغ بین المللی مقام و موقعیت خودش را باز یافته است علی الخصوص از سپتامبر ۱۹٦۱ که انعکاس نبرد جنگجویان کرد بر علیه لشکریان عراق همه جا طنین انداز شد، جهان را متوجه پیروزیهای آنان بر علیه نیروهای عراقی نمود بعد از اجرای آتش بس موقت در کودتای ۸ فوریه ۱۹٦۳ و از سر گرفتن جنگ محافل مختلف بین المللی توجه خود را به مساله کرد معطوف داشتند، بنابراین مطالبی که بیان خواهد شد هدفی جز روشن نمودن واقعیت و اطلاعات مربوط به این موضوع را ندارد.

تعداد کردشناسان نسبتاً محدود و آثار آنان نیز به تناسب اندک

است. در کشور فرانسه از سال ۱۹٤٥ به بعد دوره‌های زبان- تاریخ و جغرافیای مناطق کرد نشین در مدرسه زبانهای زنده شرقی دایر گردیده است و کرسی آنرا امیر کامران بدرخان شخصیت برجسته کرد دارا می‌باشد.

در بیروت، پروفسور توماس بوا سالهاست که درباره زندگی، ادبیات و مذهب کردها به مطالعه و تحقیق پرداخته و آثار متعددی از خود بجا گذاشته است. در لندن م.ث.ژ. ادموند در مدرسه مطالعات شرقی و آسیایی کرسی کردشناسی دارد م.د.ن. ماکنزی، دستور زبان کردی را در دو جلد به پایان رسانده است. آثار ژ.ر. درایور برای علاقه مندان به مطالعه در زمینه ریشه نژادی کرد فوق العاده حایز اهمیت است. با این وجود روسیه از بزرگترین تعداد محققان کردشناس برخوردار است. ابتدا از دو متخصص بزرگ روسی الاصل که قسمت عمده عمر خود را در انگلستان و فرانسه سپری نموده اند نام می‌بریم ایندو عبارتند از: ولادیمیر مینورسکی و م. بازیل نیکیتن (متوفی به سال ۱۹٥۸). در دانشگاه لینینگراد روسیه تعداد قابل توجهی از محققین تحت نظر پروفسور ک. کوردوف K.Kurdoev دانشمند روسی در زمینه کردشناسی تخصص می‌بینند.

در شهر ایروان Erevan یک مرکز مهم کردشناسی جنب بخش شرق شناسی آکادمی علوم جمهوری ارمنستان تاسیس شده است ودر مسکو ب.و.میلر B.v.Miller ایران شناس مشهور، به مطالعه زبانشناسی کرد اشتغال دارد.

در باکو نیز مرکز مطالعات کردشناسی جنب انستیتوی شرق شناسی علوم جمهوری آذربایجان دایر می‌باشد. در خاتمه لازم می‌دانم از استاد عالیقدر پروفسور «آرماند آبل» Armand. Abel مدیر مرکز مطالعات جهان اسلامی معاصر که در چاپ این مقاله کمکهای شایان توجهی نموده اند تشکر و سپاسگزاری نمایم و همچنین از شخصیتهای برجسته علمی چون امیر کامران بدرخان و.ر.پ. توماس بوا «R.P.ThomasBois» که مستقیماً اطلاعات ارزشمند خود را در اختیار اینجانب قرار داده اند و «ماکسیم رودنسون» Maxim Rodinson که اطلاعات وسیع خود را بی‌دریغ در اختیار ما گذاشته است قدردانی نمایم.

بروکسل، اکتبر ۱۹۶۳

بخـــش اول
کـــــــردهـــــا
فصـــل یکـــم
کردستـــــان

کردستان یا سرزمین کردها در قلب آسیای میانه، منطقه کوهستانی وسیعی که مساحت آن بالغ بر ۵۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع است قرار دارد.[1] و از خلیج اسکندریه تا خلیج فارس به شکل هلالی میان سلسله جبال و جلگه‌های کرانه قفقاز در شمال، و تبریز و همدان در شرق، و بین النهرین در جنوب و غرب واقع شدهاست ، این سرزمین با کوههای مرتفع (برخی از ارتفاعات آن چون آرارات به ۵۰۰۰ متر می‌رسد) و جلگه‌های سرسبز و خرم و رودهای دجله و فرات و مرادسو بتان سو اراضی حاصلخیزی را که کشاورزان واقعی بر روی آن کار می‌کنند مشروب می‌سازد. این منطقه با گیاهان و حیوانات خاصی که دارد نقش عمده‌ای در اسکان و توزیع جمعیت دارا می‌باشد.

آب و هوا:

آب وهوای جلگه‌های مناطق ارامنه نشین و وان بر اثر ارتفاعات آن از نوع بری می‌باشد و اختلاف درجه حرارت آن کاملاً محسوس است .مسافرانی‌که از شمال می‌گذرند شیفته طبیعت زیبای آنجا

---

(1) - Lucien Rambout (Pseudonyme du R.P.Thomas Bois, O.P.).Les Kurdes Et le Droit , Edit . Le Cerf, Paris, 1974 . Ouvarge qui a pose le Probleme Kurde dans toute son ampleur et qui a servi de base a tout travail posterieur.

می گردند. زمستانهای بسیار سختی دارد بطوریکه برف تا ماههای مـی و ژوئن باقی می‌ماند.

آب و هوای کوهپایه‌ها از نوع خشک با تابستانهای بسیار گـرم و زمستانهای بسیار سخت می‌باشد. برای دسترسی بـه چراگاههـای خـوب باید دامنه کوهها و سراشیبیهای جنگلی مملو از درختان گردو و سدر و بلوط و گز علفی و غیره را طی نمود.

منابع طبیعی:

کردستان سرشار است از منابع زیـر زمینـی چـون زغـال سـنگ، مـس، آهـن[1]، سرب، روی، کـروم و منـیزیوم.[2] و بجـز صنـایع نفتـی هیچگونـه کارخانـه مهمـی در کردسـتان وجـود نـدارد. نفتـی کـه از کردستان عراق استخراج میشود معـادل ٣/٤ تمـام نفـت تولیـدی کشـور عراق است. در ایران نـیز در منطقـه کرمانشـاه نفـت وجـود دارد کـه تـا کنون استخراج نشده است. در ترکیه در منطقه رامان Ramman مقدار اندکی نفت استخراج می‌شود. در قسمت شمال شـرقی سـوریه دو چـاه نفت حفر شده که میزان تولید آن به ۹۰ میلیون تـن افزایـش داده شـده است.

---

(۱)- دو معدن غنی آهن در مناطق سلیمانیه و رواندوز وجود دارد.

(۲)- چاهای گاز طبیعی در منطقه شمشال و همچنین سنگهای آهکی بسیاری در منطقه سلیمانیه یافت می‌شوند.

جمعیت:

تعیین آمار دقیق کردهای موجود در خاورمیانه امری است بس دشوار، زیرا آمارهای رسمی کشورهای شرقی غالباً کردها را به عنوان قبایل چادر نشین یا نیمه چادر نشین که در جمعیت کردهای اسکان یافته (شهری و روستایی) ملل حاکم تحلیل رفته اند بحساب می‌آورد. آمارهای دیگر فقط کسانی‌را که زبان مادریشان کردی است مد نظر قرار می‌دهد. بنابراین آمار و ارقامی که بوسیله مقامات رسمی سه کشور اصلی خاورمیانه(ترکیه، عراق، ایران) در مورد کردها ارایه می‌شود دور از واقعیت است. بر اساس نظر عصمت شریف وانلی ملی گرای، کرد جمعیت کردها را در حال حاضر به سیزده میلیون تخمین زده می‌شود که ٦ میلیون آن در ترکیه، ٤ میلیون در ایران و ١٨٠٠٠٠٠ در عراق و ٤٠٠٠٠٠ در سوریه ١٥٠٠٠٠ در روسیه زندگی می‌کنند.[1]

تخمین روسها در این باره متفاوت است، خانم آریستوا[2] ‹MmeAristova› جمعیت کل را به ۷ میلیون برآورد می‌کند که ۲۵۰۰/۰۰۰ در ایران ۱۲۰۰/۰۰۰ در عراق ۳۰۰/۰۰۰ در سوریه و ۱۵۰/۰۰۰ در روسیه ساکن هستند. پروفسور ‹کوردوف ‹Kurdoev› در این باره رقم ۵۳۰۰/۰۰۰ را برآورد می‌کند لکن تعداد افرادی را که به زبان کردی تکلم می‌کنند بالغ بر ۸ میلیون می‌داند. از طرفی دیگر

---

(1)- The question of the unification of the written kurdish language in kurdistan NOV.1959.p.6.

(2)-kurdy irana in kratkie soobscenija institute Etnografi.tXX1. 1954. P.P.98.1.4.

محموداوف[1] جمعیت کردها را ۹ میلیون نفر بـرآورد میکنـد. برخـی از متخصصیـن غربـی ایـن ارقـام را بسـیار مبالغـه آمـیز می‌داننـد از جملـه ث.ژ.ادموند[2] ·C.J.Edemond· تصور می کند که جمعیت کردهـا ممکـن است به رقمی در حدود ٤ میلیون و یا ٤/٥ میلیون برسد.

بحث دربارهٔ صحت و سقم این آمار و ارقام مورد نظر ما نیسـت، بلکه آنچه مسلم است اینست که وجـود جمـاعتی کـرد کـه از افزایـش سالانه قابل توجهی برخـوردار اسـت غـیر قـابل انکـار اسـت. در ترکیـه کردها بیشتر در مناطق دیاربکر، بتلیس، وان، در سیم زندگی می کنند و در مناطق زریـن، هکـاری، ارزروم، سـیرت، بلاتیـا، ارزنجـان، مـاراش، سیواس، انتیه با یزید کردها ۹۵ تا ۱۰۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند. در عراق خصوصاً در قسمت شمال شرقی کشور، در کوهستانها و تپـه‌هایی که زاب بـزرگ و زاب کوچـک و دیالـه بـه دجلـه می‌ریزنـد یعنـی در قسمت اربیل، سلیمانیه و کرکوک در شرق شط و گروهی دیگر مـابین جبل سنجر و موصل کردها زندگـی می کننـد. در ایـران نـیز در منـاطق کرمانشاه و سنندج و همچنین در بعضی قسمتهای آذربایجـان در منطقـه ساو ج بلاغ جنوب دریاچه ارومیه در منطقه‌ای بطول ۲۰ تا ٤۰ کیلومـتر

---

(1)- kurd. jogkorurd.Erven 1959(en drmenien).

(2)- Kurds. turks and Arabs. oxford 1957.PP.3.4

معذلک همین نویسنده در صفحه ۳ یادداشت شماره ۲ خود ب مراجعه به یک منبع بسیار دقیق یادآور میشود کـه جمعیـت ۳یـا ٤ میلیـون کـرد در ترکیـه رقـم کـاملاً منطقی و قابل قبول می‌باشد.

از مرز ایران و ترکیه در غرب ارومیه، سلماس، خوی و ماکو ساکن می باشند. در سوریه کردها بصورت توده‌های فشرده در مناطق شمال کشور زندگی می کنند ودر روسیه بیشتر در جنوب ایروان، گرجستان، آذربایجان و ترکمنستان سکونت دارند. تعداد زیادی از کردها در خارج از منطقه کردستان بصورت مهاجر نشین زندگی میکنند و از جمله در شهر آنکارا و استامبول چندین محله کردنشین وجود دارد[1] . در ایران نیز در مناطق گیلان، قزوین، بجنورد، خراسان وجود دارند و تعدادی نیز به افغانستان و پاکستان مهاجرت نموده اند.

در بغداد و حومه آن تعداد زیادی کرد مهاجر وجود دارد و همچنین در برخی از محلات دمشق و حلب در سوریه و بیروت لبنان نیز ساکن می‌باشند.

شیوه زندگی کردها:

میورسکی می‌نویسد: ملتها پدیده‌های گوناگونی هستند که از عوامل نژادی، جغرافیایی و اخلاقی و غیره تشکیل شده اند. لکن در هر حال برخی از این عوامل می‌توانند نقش اساسی و مهمی را بازی کنند. برای کردها که در منطقه جغرافیای وسیعی پراکنده هستند و از لحاظ جسمانی نیز تفاوتهای قابل ملاحظه‌ای دارند، عامل اساسی همانا شیوه

(1) - CF. details sur lavie des Kurdes en Turqvie dans l'article de sir Mark sykes. Les tribus kurdes de l'empire ottoman in J.R. Anthrop. inst. XXXIII Londres 1908

زندگی آنها است و از همه مهمتر مساله زبان است[1]. اساساً کوهستان نشین‌ها عمر خود را به پرورش دام اختصاص می‌دهند، زمستانها را در جلگه‌ها سپری می‌کنند و در بهار به بذر افشانی می‌پردازند. تابستانها غالباً تعدادی از اعضای قبیله در قشلاق و بقیه بسوی ییلاق کوچ می‌کنند البته برخی از عوامل ثابت یا نیمه ثابت در ییلاق وجود دارد که قابل ذکر نیستند.

برای کردها دام‌ها نیازهای اساسی از از قبیل گوشت، شیر، کره، پنیر، پوست، پشم و غیره را در مناطق کوهستانی تامین می‌کنند. این دام‌ها از گوسفند و بز تشکیل می‌شوند. (در بلندیهای جنوب وان اندازه گوسفندان به ۸۰ سانتی متر می‌رسد) لازم به تذکر است که در میان دامها گاو کمتر وجود دارد و بیشتر از الاغ و قاطر که تحمل زندگی در کوهستان را دارند به عنوان بهترین مرکب خصوصاً برای عبور از پرتگاهها استفاده میکنند. پشم و موی بزها را برای بافت لباس، پلاس و چادر بمصرف می‌رسانند. تولیدات لبنی اساس تغذیه آنها را تشکیل می‌دهند و معمولاً برخلاف آنچه که می‌توان باورنمود گوشت در فهرست غذایی آنها کمیاب است. شاید این امر بدان‌جهت باشد که در میان کردها مانند سایر مردمانی که زندگی شبانی یا نیمه شبانی دارنددام یک منبع سرمایه گذاری است تا منبع درآمد. به عبارت دیگر دام معرف سرمایه آنها است.

---

(1)- Les origines des kurdes in Actes du XXXme congres international des orienta listes Bruxelles 1938.P.145

امروزه کردهای چادرنشین غالباً در جلگه‌های مرتفع ترک وارمنی یعنی در بلندیهای ارس، مرادسو، فرات و اطراف دریاچه وان زندگی می‌کنند. کردهای اسکان یافته ییلاق و قشلاق نمی‌کنند و کسانیکه در روستاها زندگی می‌کنند کشاورزانی هستند که قبلاً چادرنشین بوده و اینک به دلایل اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی در دشت‌های هموار مانده اندکه آنها را بامیری(پدر مرده) و یا گامیری(گاو مرده) و یا گاوستی(گاو خسته) می‌نامند. همین مساله است که وجود برخی از کردها را در کوهستانها و بقیه را در جلگه‌ها توجیه می‌کند. کردهای اسکان یافته ممکن است از رعایای بومی مسیحی و مسلمان باشند که بوسیله اعضای یک قبیله دیگر مطیع شده اند. این گروه اخیر شهرنشین‌هایی هستند که عملاً هر گونه وابستگی خود را با قبیله اصلی خود قطع نموده و در شهرهای کوچک مستقر شده اند که تعداد آنها از پنجاه سال پیش تا کنون افزایش یافته است.

کردها کشاورزان بسیار خوبی هستند و گندم و جو و برنج کشت می‌کنند و در کوهستانها مانند همه لبنانیها، از طریق احداث تراس‌های کوچک به کشت ذرت، ارزن و شاهدانه و توتون می‌پردازند و توتون یکی از ثروتهای منطقه است.

کردها در شهرهای دور دست بدنبال کار می‌روند و غالباً به کارهای دشوار ساختمانی و یا باربری اشتغال دارند. در استامبول بسیاری از کردها شغل بنایی دارند. در شهرهای کوچک کردستان کردها بازرگانان کوچک و سوداگران گوسفند و پشم و پوست و مازو

و غیره هستند و نیز در میان آنها صنایع سنتی قدیم رایج است. مخصوصاً بافتن ابریشم، نمد و پشم و آهنگری و زرگری را می‌توان نام برد. زنان کرد نیز ریسندگی و بافندگی پشم را بعهده دارندو گه‌گاه چار قدهای ابریشمی که غالباً با سکه‌های طلا یا نقره تزیین شده درست می‌کنند. آنها همچنین قالیهای اعلا و سجاده و گلیم و غیره می‌بافند. مردان نیز در سفال سازی، چرم سازی و مواد چوبی از قبیل تخته نرد و عیره و نیز در هنر حکاکی، خنجر سازی و حلقه‌های کمربند از طلا و نقره مهارت فوق العاده‌ای دارند. امروزه کارهای ساختمانی و در مراکز مختلف نفتی کردستان کارگران بسیار عالی ای هستند. اما در میان کردهای شهرنشین طبیب، وکیل، کارمند افسر و غیره بیش از آنچه که بتوان تصور نمود وجود دارد. مهاجران کرد که در کشورهای اروپایی (فرانسه، انگلستان، سویس، اتریش وآلمان) ساکن هستند در تجدید حیات علمی و ادبی کرد نقش چشمگیری داشته اند.

جامعه کرد:

کردها بصورت قبیله‌ای زندگی می‌کنند لکن شمار دقیق آنها کاری بس دشوار است زیرا آنها گاه افزایش و گاه تقلیل و یا تغییر نام می‌دهند. برخی از این قبایل در طول تاریخ نقش تاریخی مهمی بازی کرده اند و هنوز هم از شهرت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. در میان آنها می‌توان قبایل زیر را نام برد:

در عراق طایفه بابان‌ها- هموندها- هرکی‌ها و در ایران شکاک-

مکری- اردلان- جاف- کلهرها بدون اینکه از لر و بختیاری بحثی به میان آوریم در ترکیه هکاری- هرتوشی- زیرکان- جلالی- حیدران و در سوریه برازی- میران.[1] کردها خواه بصورت کلان زندگی کنند و یا به صورت یک دولت واحد خود مختار اداره شوند یک نفر رییس با نفوذ گاه را با خصوصیات مذهبی در میان آنها وجود دارد و این شخص بر اساس وراثت و یا انتخابی به این سمت برگزیده می‌شده است و اساسی ترین نقش وی برقراری عدالت در میان قبیله بوده است. لکن امروز از طرفی به علت مداخله اعیان و اشراف شهری و ملاکین و از طرف دیگر به خاطر سعی و کوشش دولت حاکم بر متمرکز کردن و انتصاب کارکنانی که به امر قضاوت و اخذ مالیات اشتغال دارند اختیارات رؤسای قبایل محدود و از اهمیت چندانی برخوردار نیست.

لازم به تذکر است که زنان چوپانان و کشاورزان کرد، در زندگی فلاکت بار خود با خواهران خاورمیانه‌اش سهیم هستند و علاوه بر آن امورات سخت و دشوار خانه داری و تهیه آب آشامیدنی از چشمه‌های دور دست و قسمت عمده کارهای کشاورزی بعهده آنهاست. با وجود این و بر خلاف زنان مسلمان خاورمیانه، زن در جامعه کرد مقام و موقعیت ویژه دارد و در انتخاب همسر کاملاً آزاد است. شوهر، برادران و پدر و مادر برای او ارزش و اعتبار فراوانی قایل هستند و علاوه بر اعضای خانواده سایر مردان قبیله نیز به دیده احترام به

(1)- Le vie sociale dos Kurdes .R.P.Thomas Bois in Almachriq Juill . oct 1962 P.606.

او می‌نگرند؛ زن کرد در غیاب همسرش تمام امورات خانه و یا خرید را به تنهایی انجام می‌دهد.

دین:

کردها همواره با انجام مراسم دینی خود در برابر نفوذ بیگانگان مقاومت نموده اند. برخی از محققان عقیده دارند که مذاهب یزیدی و نستوری در میان اکراد به ظهور رسیده است.[1] اگر چه کردها در ابتدا بر علیه اسلام مقاومت شدیدی ر خود نشان دادند لکن بسرعت هر چه تمام تر آنرا پذیرفتند. ، رف نامه می‌نویسد: ·تقریباً تمامی قبایل کرد مسلمان و شافعی مذهبند قسمتی در ایران به استثناء خانواده اردلان و برخی از عشایر کرمانشاهان و لرستان مانند سنجابی و کلهر که مذهب تشیع دارند و گوران (کرمانشاه) که از اهل حق(علی اللهی) بشمارمی‌روند بقیه بر مذهب شافعی اند. علی اللهی‌ها که حضرت علی را خدا می‌دانند، مرکز عمده‌شان کرمانشاهانست و آداب و عقایدشان مشهور است و دانشمندان، آثار دین قدیم را در آداب و رسوم آنان باز یافته اند و علاوه بر کرمانشاه در سایر نقاط ایران مثل آذربایجان و تهران و غیره از این طایفه بسیارند و گروهی عظیم در هندوستان ساکن اند.

---

(1)-GF. Limoportant ouvrage John Joseph . The nestorians and Their Muslim neighbours. Princeton university press 1961.

طوایف کرد عمدتاً اعتقاد شدیدی به قول و فعل مشایخ دارند و اکثراً تابع مسلک دراویش نقشبندیه و قادریه هستند که مرکزشان در اورامان و مکری و سلیمانیه و شمدینان و حربوت و غیره است[۱]. شرف نامه در بخش آیین و مذهب و معتقدان دینی کردان از قول مینورسکی در دایرةالمعارف اسلامی چنین نقل می کند: کردان عقیده دارند که پیش از تشرف به آیین اسلام زردشتی بوده اند و در بسیاری از نقاط هنوز بقایای آتشکده‌های باستانی وجود دارد. نام طایفه بهدینان (عماریه) هم دلیل بر آنست که کردان پیش از اسلام دین بهی داشته اند و زردشتی مذهب بوده اند. در سرزمین کرد نشین تخت سلیمان (شیر کنزک) بزرگترین آتشکده ایران آذر گشنسب هزار سال افروخته بود و آن را آتش پادشاهان می‌خواندند و سلاطین ساسانی مکرراً پیاده به زیارت آن رفته و از آتش آن آتشکده‌های کوچک را می‌افروختند.

در این ایام هنوز در میان طوایف عشیره‌های بسیاری هست که بقایای آیین قبل از اسلام خود را حفظ کرده اند مانند: یزیدیها، علی اللهی‌ها، صاربی‌ها و غیره. در باب سه طایفه اخیر تحقیقات بسیاری نشده است همینقدر معلوم است که کتب دینی آنان فارسی است[۲]

---

(1)- Cheref. AL.Din. Khan, Prince de Bitlis: Cheref. Nemeh.
(2)- Encyclopedie de L'islam

فصـــــل دوم

زبـــــان

مطالبی که تا کنون بیان شد، اجمالاً وجود یک جامعه کرد نسبتاً همگن را ثابت می‌کند؛ لکن مطالعه زبـان و ادبیـات کـرد خصوصیـات این قوم را بهتر به ما نشان می‌دهد. زبان کردی کـه وحـدت عظیمـی را در خصوصیات قومی و فرهنگـی خـود نشـان می‌دهـد بـه گـروه شـمال غربی زبانهای ایرانی[1] متعلق است؛ معذلـک وجـود عنـاصر نـاهمگن در لهجه‌های جدید نتوانسته است وحـدت خصوصیـات قومـی و فرهنگـی آنرا نابود سازد. مینورسکی در دایرةالمعارف اسلامی بخوبی نشـان داده است که زبان کردی از زبان فارسی مجزا است.[2]

ژاک دومرگان تاکید می‌کند که زبان کردی لهجه‌ای از فارسی نیست؛ بلکه یک زبان خاص و خواهر زبان فارسی و شاید قدیمی تـر از آن باشد.[3]

گروههای بزرگ زبانشناسی کرد عبارتند از:

الف- **کرمانجی:** لهجه شمالی که دو سوم از کردها با این لهجه تکلـم می‌کنند و شامل:

۱- کردهای ترکیه(مردین، بوهتان، هکاری، وان، موش، ارزروم).

---

(1)- [1]congres international des oriental istes, Bruxelles 1938.
V.Minorsky, Actes du XX^{me}

(2)- Kurdes Ecyclopedie de lislam, Paris 1926.

(3)-Jacques de Morgan dialectes Kurdes. in Mission scientifique en perse paris 1904.

۲- کردهای ایران(آذربایجان، اشنویه در مرز شوروی).
۳- کردهای شوروی.
٤- کردهای منطقه بهدینان در موصل و اربیل.
٥-کردهای سوریه.
ب- **لهجه سورانی:** یا لهجه جنوبی که کردهای مناطق زیر بدان تکلم می‌کنند:
۱- کردهای عراق (علی الخصوص کاکایی نزدیک تانگ و زنگنه‌ها نزدیک کفری و باژلان نزدیک خانقین).
۲-کردهای ایران(مخصوصاً گوران نزدیک کرمانشاه و کردهای اورامان در زاگرس و مهاباد).
ج- **لرها و بختیاری‌ها:** که با لهجه لری تکلم می‌کنند و از لهجه سورانی متفاوت است. توضیح اینکه کردها از قرن‌ها پیش با زبان کردی تکلم می‌کنند ولی کمتر بدان نوشته اند. اولین موضوعی که کردها در باره آن بیشتر کار کرده اند، تدوین قوانین زبان کردی بوده که بسیاری از متخصصین تحت تاثیر دستور نویس‌های غربی علی الخصوص فرانسه، آلمانی، روسی قرار گرفته و بقیه نیز دستور نویس‌های عرب را به عنوان راهنما سرمشق خود قرار داده اند.[1]

(1)- CF.Etude du R.P. Thomas Bois, Remarques critiques sur La [1] nomenclature gramatisale Kurde Bibliotheca orientalis t. Xvll, n°

ادبیات غنی کرد که به زبان‌های کردی عربی یا ترکی نوشته شده با افزودن فولکلور بدان مجموعه بسیار نفیس و با ارزشی را بدست می‌دهد. بعد از قرن نوزدهم کردشناسان عربی ترجمه و نشر آثار کردی را آغاز نموده و آثار ارزنده‌ای را از خود به یادگار گذاشته اند و بعداً دانشمندان کرد آثار آنها را پیگیری نموده اند و در این زمینه نقش مهمی را ایفا نموده اند.

فولکلور و ادبیات

بنا به گفته ·ویلشویسکی· Vilchevxky· رشد و نمو بیش از حد فولکلور نه به خاطر بی‌دانشی مردم کرد است بلکه این امر بیشتر به منظور نیاز به حفظ سنت‌های اصیل آنان است. به عنوان مثال داستانهای دم‌دم (قلعه دم دم در قلب منطقه مکری در جنوب ارومیه است) جنگ با اعراب، مغول‌ها، صلیبی‌ها و ترکها و همچنین داستانها و افسانه‌ها و غزلهای عاشقانه که نمونه بارزی از فلکلور کرد هستند بهترین دلیل این مدعا است. و در میان اشعار معروف می‌توان نمونه‌های زیر را نقل کرد:

لاس و خزال- ناصر و ممال- فرخ واستی- زلیخا و فتول و ...

که به تشریح صحنه‌های شکار، نبرد و سوز و گدازهای عاشقانه و مناظر طبیعی و غیره می‌پردازد و همچنین اقتباسی از اشعار عرفانی عشاق معروف لیلی و مجنون را می‌توان در فولکلور کرد یافت. بدیهی است که فلکور غنی کرد هیچگاه مانع پیشرفت و توسعه ادبیات واقعی نگردیده است. در پایان قرن هشتم ·براخی همدانی· Babrakhi·

Hamezani · به زبان کـردی حمـلات ملتش را بـر علیـه تهاجم اعـراب تشریح می کند.[1]

بابا طاهر شاعر و عارف معاصر ابن سینا در قـرن دهـم از شـهرت خاصی برخوردار است[2] علی ترموکی ·Eli Termuki · [3]، اولین گرامـر کردی و همچنین ·سفری به کردستان· را نوشـته و عـلاوه بـر آن تعـداد زیادی از اشعار را جمع آوری نموده است. از میان دیگر شعرای مشهور کـرد می‌تـوان علـی حریـری شـمدینانی (۱۰۷۹-۱۰۰۹) و فقیـه طـیران (۱۳۷۵-۱۳۰۲) که منظومه غنایی ·سیاه پـوش· را بـا نـام مسـتعار م-ه بـه رشـته تحریـر درآورده و در زمـره اولیـن کسـانی اسـت کـه بـر علیـه تبعیضاتی که در طول تاریخ نسـبت بـه کردهـا روا داشـته انـد اعـتراض نموده و شـیخ احمـد متخلـص بـه نشـانی اهـل جزیـره ·بوتـان· معـروف به·ملای جزیری· (۱۳۰۷-۱٤۸۱) شاعریست عرفانی و دیوان وی بالغ بر دو هزار بیت می‌باشد و توانسـت مکتـب کلیـه شـعرای معـاصر خـود را تحـت تـاثیر قـرار دهـد نـام بـرد. مـلا احمـد ·باتـه· اهـل·هکـاری· (۱٤۱۷-۱٤۹٥) یکی دیگر از شـعرای کـرد اسـت کـه بیشـتر بـه خـاطر اشعاری که در مدح پیامبر اکرم (ص) به نام·مولودنامه· سروده اسـت از شهرت زیادی برخوردار است. شایان توجه است که در قرن شـانزدهم ادیب بزرگ کرد ·ادریس بتلیسی· که مورخ دربار عثمانی بـود توانسـت

---

(1)- V.Minorsky, les kurdes, art.cit.

(2)-)-V.Minorsky les kurdes art.cit.

(3)- R.P thomas Bois, coup doeil sur ld litterature kurde in Almachriq Beyrooth 1955.PP.201.239.

کردها را در جنگ چالدران (١٥١٤) به نفع سلطان عثمانی وارد کارزار نماید. همچنین می‌توان از سلطان حسین امیر بهدینان متوفی بسال ١٥٧٦ نام برد که کتابخانه بسیار با عظمتی داشته که دارای دو هزار جلد کتب خطی نفیس و گرانبها بوده است. چند سال بعد «شرف الدین خان» امیر بتلیس، اثر معروف خود را به نام شرفنامه «که به قول مینورسکی اساس و پایه شناخت اروپائیان از تاریخ کرد است» بسال (١٥٩٦) به چاپ رسانید. قرن هفدهم را می‌توان دوره شکوفایی ادبیات ملی کرد نامید. احمد خانی هکاری (١٦٥٠-١٧٠٦) داستان حماسی «مه می آلان» «Mame Alan» را انتخاب و آنرا با محتوای اسلامی بیشتر تحت عنوان «مم وزین» «Memozin» که عشق مم و زین (محمد و زینب) را بیان می‌کند در پنج هزار بیت به نظم درآورده و علاوه بر آن یک قاموس کردی- عربی را به نظم درآورده و کتابی نیز درباره جغرافیای کردستان نوشته است[1] و شاگرد وی اسماعیل بایزیدی (١٦٥٤-١٧٠٩) غزلیات و همچنین یک فرهنگ (کرمانجی- عربی- فارسی) از خود به یادگار گذاشته است و در آن سوی کردستان یعنی در دربار والی‌های اردلان در سنندج تعداد بیشماری شعرا و دانشمندان کرد جمع شده بودند. از این دوره که بگذریم قرن هیجدهم را می‌توان در واقع دوره انحطاط ادبی کرد نامید، فقط در اواخر این دوره است که نالی

---

(1)- I.R.P.thomas Bois op.cit.p.205.

افندی[1] ·Nali Effendi·، (۱۸۵۵- ۱۷۹۷) جان تازه‌ای در کالبد ادبیات کرد می‌دمد. شعرای این دوره تلاش می‌کنند تا خود را از قید و بندها و فرمهای قدیمی ادب کردی رها سازند و بیشتر به داستانهای مردمی بپردازند و در اشعار خود از مبارزات ملت کرد بر علیه استبداد حکومت عثمانی سخن گفته و مردم را به رهایی از یوغ این امپراطوری ستمکار تهییج کنند.

حاج قادر کوی(۱۸۱۷-۱۸۹٤) که در استامبول می‌زیست، قسمت اعظم دیوان خود را بسال ۱۹۲۵ در بغداد و بقیه را در سال ۱۹۳۵ در ·اربیل· به چاپ رساند. دیوان این شاعر فریادی است انقلابی بر علیه شیوخ و ملاهای قشری و آنها را به عنوان سدی در برابر آزادی افکار توده مردم معرفی می‌کند. اشعار ملی گرایی وی هنوز از عظمت ویژه‌ای برخوردار است.

سرانجام به طور خلاصه نقش زنان کرد بویژه در ترانه‌های عاشقانه و حماسی و جنگی را یادآور می‌شویم: ماه شرف خانم اردلان (۱۸۰۰-۱۸٤۷)، سیره خانم دیاربکر(۱۸۱٤-۱۸٦۵) جیران خانم نخجوان، عایشه تیمور(متوفی بسال ۱۹۰۲)، بیبی ریحان دختر ملا حسین برواری(۱۸۵۷-۱۹۰۵)، پیروز خانم دختر حسین کنوش (متوفی بسال ۱۹۱۱)خاتو خورشید(۱۸۸۱-۱۹۳۱) دختر شیخ معروف کیودوس(۱۸۸۱-۱۹۳۳۱) را می‌توان نام برد.

---

(۱)- نالی افندی (ملاخضر شهرزوری) لهجه‌های مختلف کرد را مطالعه کرده و یک گرامر عربی را به کردی ترجمه نموده است.

فصل سوم
جنبش فرهنگی کرد در قرن بیستم

در آغاز این قرن، هفت روزنامه و مجله کردی وجود داشته که چهار عدد آنها در استامبول و بقیه در قاهره و بغداد به چاپ می‌رسیده است. با مطالعه مراحل حرکت فرهنگی کرد در قرن بیستم مشاهده می‌گردد که بعد از جنگ جهانی اول مراکز فرهنگی کرد از عراق به خصوص بغداد و سلیمانیه تغییر مکان می‌دهند. گرچه بررسی تمامی این دگرگونیها غیر ممکن بنظر می‌رسد لذا ناگزیر جنبه‌های آنرا به طور جداگانه در سوریه، عراق، ترکیه، ایران و روسیه مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم.

جنبش فرهنگی کرد در سوریه

نهضت فرهنگی کرد در سوریه اهمیت واقعی خود را بعد از وقوع حوادث سال ۱۹۳۰ باز می‌یابد.

این حوادث عبارت بودند از تحکیم و تقویت احساسات ملی کرد از طریق احیای زبان و تجدید حیات ادبی آن. مبتکرین این جنبش فرهنگی برادران بدرخان.

مخصوصاً امیر جلادت (۱۸۹۳-۱۹۵۱) و برادرش امیر کامران عالی بودند.[1]

ارکان این جنبش مجله «هاوار» می‌باشد که به کردی و فرانسه به چاپ می‌رسد و اولین شماره آن در پانزدهم ماه می ۱۹۳۲ انتشار و تا سال ۱۹۳۵ ادامه یافت و از سال ۱۹٤۱ تا سال ۱۹٤۳ پنجاه و هفت شماره آن به چاپ رسید وضمیمه‌ای داشت به نام «روشنایی» اولین اقدام مهم بنیانگذار مجله هاوار تنظیم و نشر الفبای کردی با کاراکتر لاتین بود و ابداع کنندگان این الفبا از پیشینیان که الفبای ترکی را به لاتین تبدیل نموده بودند الهام گرفته اند. آنها توانستند با این الفبا وحدت کرمانجی را نیز حفظ نمایند. برای تحقق این هدف، نویسندگان کلیه مطالب کلاسی را تهیه و یک سری جزوات و یادداشتهایی که پاسخگوی این هدف باشد به چاپ رسانیدند[2] و مقامات فرانسوی به نحوی از انحاء موجبات شکوفایی جنبش فرهنگی کرد را در سوریه و لبنان فراهم نمودند.

پیرامون مجله «هاوار» و بنیانگذار آن گروهی از نویسندگان و شعرای جوان گرد آمده بودند که برخی از آنها از استعداد خارق

---

(۱)- بدرخان کامران عالی قرآن مجید و همچنین هفتصد حدیث نبوی و ضرب‌المثل‌های حضرت سلیمان (۱۹٤۷-۱۹٤۹) و انجیل «یوحنا» و انجیل «لوقا» را به کردی ترجمه نموده و همچنین ضرب المثل‌های کردی را در سال ۱۹۳۷ به فرانسه و آلمانی برگردانده و در سال ۱۹۵۳ گرامر کردی را به منبع اساسی اطلاعات ما اروپاییان است در مدرسه السنهٔ شرقی پاریس به چاپ رسانده ودر حال حاضر مشغول تهیه و چاپ یک فرهنگ فرانسهٔ کردی با بیش از ٦۰۰۰۰ لغت می‌باشد.

(2) cahier N° 1:Note sur lalpbet Kurde.

العاده‌ای برخوردار بودند؛ در میان مهمترین آنها می‌توان از · مصطفی احمد باتی· که به خاطر داستانهای مشهورش شهرت دارد و· قدری خان· شاعر نوپرداز و همچنین ·عثمان صبری· و· ملا احمد حیدران· را نام برد. بدون تردید معروفترین و مشهورترین آنها· شیخ موسی حسین· متخلص به ·جگر خون· است که اولین اشعارش را در سال ۱۹٤٥ به چاپ رسانید. دیوان جگر خون مملو از اشعار ملی گرایی است و کردها را به مبارزه بر علیه فقر و بی‌دانشی برمی‌انگیزد. این شاعر دومین اثر خود را در سال ۱۹٥٤ بنام ·انقلاب و آزادی· چاپ نمود و آثاری نیز درباره گرامر و تاریخ کرد به نثر و شرفنامه‌ای به شعر را از خود به یادگار گذاشته است.

جنبش فرهنگی کرد در عراق

پس از پایان درگیریهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰ جنبش فرهنگی کرد در عراق به نحو چشمگیری توسعه یافت و روشنفکرانی که به خاطر فشارهای روزافزون دستگاه حاکمه کشورشان در استامبول می‌زیستند به عراق برگشته و جمع روشنفکران کرد عراق را بارورتر ساخته و دو مرکز بزرگ علمی و ادبی در سلیمانیه و بغداد ایجاد نمودند.

روزنامه‌های پیش که وتن· پیشرفت و ترقی· (۱۹۱۹-۱۹۲۲) ،·بانگی کوردستان· ندای کردستان و ·روژ کوردستان· روز کردستان و ·بانگ حق· ·ندای حق· و ·امید استقلال· و ·ژیان· زندگی و ·زانستی·

دانش را در سلیمانیه منتشر نمودند.[1] لازم به تذکر است که روزنامه یومیه‌ای که بیش از ۳۰ سال انتشار می‌یافت ابتدا تحت عنوان ·ژیانه وه· زنده شدن و سپس به نام ·ژیان· و سرانجام ·ژین· منتشرمی‌شد.

در بغداد نیز روشنفکران ابتدا روزنامه ·دیاری کوردستان· هدیه کردستان و سپس ·گلاویژ· ستاره جدی را از سال ۱۹۳۹ تا سال ۱۹٤۹ منتشر می‌نمودند و سپس روزنامه‌های دیگری بنام ·ده نگی گیتی تازه· ندای دنیای جدید و ·نزار· را منتشر ساختند که مدت مدیدی ادامه یافت. سپس روزنامه· ده نگی کوردستان· ارگان دانشجویان انتشار یافت و بعداً به ·خه بات· مبارزه و پیکار ارگان حزب دمکرات کردستان تغییر نام داد تا سال ۱۹٦۱ انتشار می‌یافت و در همان ایام توسط حکومت ژنرال قاسم توقیف گردید. سپس روزنامه‌های ·هیوا· ، ·رزگاری· و ·روناهی· بصورت ماهانه و دو هفته یکبار انتشار می‌یافتند. سپس روزنامه ·آزادی· ارگان حزب کمونیست عراق شاخه کردستان در رواندوز انتشار یافت و در سال ۱۹۳٦ روزنامه‌های ·زاری کرمانجی· در اربیل و ·راستی· در موصل منتشر شد.

لازم به تذکر است که تمام این روزنامه‌ها و مجلات به لهجه سورانی انتشار می‌یافتند. افق ادبیات کرد در پرتو ارتباط با ادبیات کشورهای غربی و عربی بیش از پیش توسعه یافت. نخست روشنفکران و نویسندگان کرد تعداد زیادی از آثار با ارزش علمی و ادبی و

---

(1)-CF.R.P.Thomas Bois.op.cit PP.212-213.CF egalemnt C.J. Edmonds. A.Bibliography of southern kurdish : 1920 a 1936, in G.R.A.C.S/1937, T.XXIV.P. 1937 a 1945 in J.R.A.C.S. 1954

سفرنامه‌ها را از زبانهـای عربـی و انگلیسـی بـه کـردی ترجمـه نمـوده و مطالبی را که در رابطه بـا کـرد و کردسـتان در نوشته‌های جهـانگردان انگلیسی و اروپایی و مجلات عربی به چاپ می‌رسد بـه کـردی ترجمـه می‌نمودند. و برخی از محققین هم وقت خود را بـه چـاپ دسـتور زبـان فرهنـگ و فولکلـور کـرد صـرف نمودنـد[1] و ضمنـاً علاقـه وافـری بـه تاریخ- جغرافیا- ادبیات و اشـعار کـردی از خـود نشـان دادنـد. بدیهـی است، برشمردن نام صدها نویسنده کرد از عهده این مقاله خارج است. معذلک یادآور می گردد که مطبوعات و ناشرین تا سال ۱۹۵۸ مقـالات ادبی، تاریخی، اشعار و داسـتانها تقدیـم خوانندگـان خـود نمـوده لکـن درباره مسائل روز با احتیاط از آن سخن می‌راننـد و موضوعـات ملـی و ناسیونالیستی صرفاً در قالب اشعار و افسانه‌های گذشته رایه می گردیـد. اما بعـد از مـاه اوت ۱۹۵۸ کـه کردهـا از آزادی بیـان برخـوردار شـدند بلافاصله بانگ ملی گرایی را سر داده و پس از بوقوع پیوستن کودتـای ژوئیه ۱۹۵۹ ، نویسندگان کـرد جشـن پـیروزی «جمهـوری دمکراتیـک کرد و عرب» را با نظم و نثر برگزار کردند و این اسطوره برادری کرد و عرب همیشه به عنوان اساس و پایه رژیم عراق معرفی شده است و یک واحد تعلیم و تربیت علمی بـه منظـور ایجـاد دبیرسـتان و دانشـگاه کـرد تاسـیس و همزمـان یـک هیـات شـش نفـره مـامور تهیـه کتـب تـاریخ، جغرافی و ادبیات کرد به زبانهای عربی و کردی گردید. و بـه دنبـال آن زبان کردی در برنامه‌های درسی قسمت عرب زبان عراق متداول هنـوز

---

(1)- Geew Mukriani, dictionnaire arabe -kurde de 35000 Mots.

اندکی از خواسته‌های کردها در زمینه‌های فرهنگی و اداری تحقق یافته بود که در اوایل سال ۱۹٦۱ شرایط تغییر یافت.

جنبش فرهنگی کرد در ترکیه

نهضت فرهنگی کرد در ترکیه از موقعیت و شرایط اسفناکی برخوردار است. زیرا سیاست انعطاف ناپذیر ترکها در جهت ترک قلمداد کردن کردها(در ترکیه کردها را از ترکهای کوهستانی می‌نامند) را می‌توان یکی از نتایج خفقان بار این فقر فرهنگی نامید. با وجود این بر اثر بی‌خبری و جهالت مقامات ترك فرهنگ کرد از توسعه و انتشار باز نایستاد. کتابهای کردی بطور مخفیانه فروخته می‌شد و به نقل از روزنامه ترك زبان «یانی استامبول» «Yani Istanbul» بتاریخ ششم نوامبر ۱۹٦۰ «کتابهای کردی که در عراق به چاپ می‌رسید به طور مخفیانه وارد ترکیه می‌شد در جنب مساجد به‌فروش می‌رسید.» ۱

(۱)-به نقل از روزنامه «Yeni Istanbul» در ششم نوامبر ۱۹۰٦ در مقاله‌ای تحت عنوان «در یک مدرسه مخفی کرد»: در ناحیه تیل «Tille» ده کیلومتری جنوب شهربانی «سیرت» «Siirt» یک مدرسه کوچک کرد بصورت مخفی وجود دارد. در یکی از کلاسهای این مدرسه حضور یافتم و شخصی که به عنوان معلم به بچه ترکها خواندن و نوشتن زبان کردی را می‌آموخت از الفبای کردی که از عراق وارد شده بود استفاده می‌کرد. به یاری مترجم‌مان که کردی صحبت می‌کرد توانستیم با معلم این کلاس صحبت کنیم، به گفته او یک ملیت کرد در ترکیه وجود دارد که باید علم آنرا برافراشت.

نمایندگان کرد که از حمایت تعداد بیشماری از روشنفکران برخوردار بوند در سپتامبر ماه ۱۹۹۵ از دولت ترکیه تقاضای چاپ و انتشار روزنامه‌هایی به زبان کردی را نمودند. معذلک درخواست آنان مورد توافق مقامات ترک قرار نگرفت. لکن یک ماه بعد علیرغم ممنوعیت، گلچینی از اشعار کردی در شهر دیاربکر به چاپ رسید و بلافاصله ناشر آن به محاکمه کشیده شد. و دوازده وکیل برای دفاع از ناشر مذکور داوطلبانه اعلام آمادگی نمودند و قضیه به همین جا خاتمه یافت. بنابراین می‌توان سرانجام مسایل سیاسی را در ترکیه پیش بینی نمود.[۱]

جنبش فرهنگی کرد در ایران

باید اذعان نمود که موقعیت فرهنگی و مطبوعاتی کرد در ایران نیز چندان درخشان نبوده است، زیرا دولت‌های وقت همواره سیاست همگنی کرد و فارس را تعقیب می‌نمودند. با وجود این مقامات ایرانی بر اساس مقتضیات زمان در تاریخ ششم ماه می ۱۹۵۹ اجازه انتشار یک روزنامه ادبی و اطلاعاتی را بنام «کردستان» در تهران صادر نمودند و به محض انتشار اولین شماره، این نشریه به ترجمه آثار منتشره بفارسی پرداخت.[۲] روزنامه کردستان به لهجه محلی سنندجی و با الفبای فارسی به چاپ می‌رسید و تیراژ آن نسبتاً محدود بود. در مناطق کردنشین نیز به فروش نمی‌رفت. در ایران به جز یک کرسی کردشناسی در دانشگاه

---

(۱)- روزنامه مه لوموند ۲۶ دسامبر ۱۹۵۹.

(2)- Les kurdes dihsan Nouri pacha, naraionaliste kurde, heors de la campagne de lagri dagh.

تهران [1] هیچگونه مـدارس ابتدایـی یـا متوسـطه بـه زبـان کـردی وجـود ندارد. وبه همین جهت فعالیتهای فرهنگی و ادبی در میان کردها چندان چشم گیر نبوده اسـت و فقـط هنگـام جمهـوری مهابـاد در سـال ۱۹٤٦ فعالیتهای فرهنگی و ادبی به زبان کردی شکوفا گردیـد و از آن تـاریخ ببعد از کتاب ·تـاریخ کـرد و کردسـتان· تـالیف شـیخ محمـد آیـت الـه مردوخ کردستان نام برد.

جنبش فرهنگی کرد در روسیه

با بیان موقعیت فرهنگـی کردهـای روسـیه ایـن نظـر اجمـالی بـه جنبش‌های کرد را بپایان می‌بریـم[2] . چنانچـه از لحـاظ جمعیـت مقایسـه کنیم تعداد جمعیت کردهای روسیه نسبت به تعداد کردهای کشورهای

---

[1] - تا سال ۱۹۹۳ در کردستان ایران فقط مدارس علـوم دینـی وجـود داشـت و در حال حاضر در شهر سقز تعداد یک مدرسه نه کلاسه و سه مدرسه شـش کلاسـه و یک مدرسه ابتدایی برای دختران وجود دارد. در مهاباد دو مدرسـه متوسـطه: یـک مدرسه برای پسران و یک مدرسه برای دختـران و همچنیـن یـک دبیرسـتان ناتمـام وجود دارد. در اشنویه پنج مدرسه ابتدایـی در کرمانشـاه هشـت مدرسـه متوسـطه و هجده مدرسه ابتدایی پسر و دختر وجود دارد.

(2)- CF.Larticle tres documente de M.A.Benningsen, les kurdes la kurdologie en union sovietique paru dans les cahier du monde Russe et sovietique vol I-ITI, avril-Juin 1960.

خاورمیانه بسیار ناچیز است ·لکن از لحاظ بـه رسـمیت شـناختن حقـوق آنها شاید بتوان گفت که اتحاد جماهیر شوروی تنها کشوری است کـه در جهان که حقوق ملی کردها را به رسمیت شناخته و به همیـن جهـت است که کردهای روسیه از فعالیتهای ادبی و مدارس به زبـان کـردی و مطبوعات و برنامه‌های رادیویی برخوردار هستند.[1]

تعداد زیادی روشنفکر و نویسنده جوان در روسیه متولد شده اند که بوسیله محققان و دانشمندان متعددی درخشیده انـد. در ارمنسـتان و

---

(۱)- متاسـفانه نویسـنده در پـاورقی شـماره ۲ فقـط بـه ذکـر مقـالات ·M.A.Benningesn· در مورد وضعیت فرهنگـی کردهـای روسـیه اشـاره نمـود و نسبت به سیستم آموزشی ایران که بـر اسـاس نظـام متمرکـز اداره می‌شـود آگـاهی کافی نداشته است. دلیل این مدعا را در گفته‌های خانم ·درآرستیوا· کـه در کتـاب خود به نام ·کرد ایران· که پاورقی شماره یک همین صفحه که تعداد مدارس فعـال در مناطق کردنشین را ذکر نموده بخوبی می‌توان مشاهده نمود. حتی می‌توان ادعـا نمود که نامبرده کلیه مدارس مناطق کردنشین را کامل ذکر نکرده است. به عنـوان مثال از مدارس فعال در سنندج که سالیان مدیدی است بعنوان یکی از مراکز مهـم علمی و فرهنگی مشهور است ذکری به میـان نیـاورده اسـت در حالیکـه در کتـاب آینه سنندج صفحه ۵۷۹ از بیست و هشت مکتب خانه معتـبر کـه در شـهر سـنندج فعال بوده و در سال ۱۳۱۵ خورشیدی از طرف اداره معارف و اوقـاف (آمـوزش و پرورش امروز) کلیه آنها تعطیـل و شـاگردان آنهـا بـه نسـبت سـواد معلومـاتی کـه داشتند به مدارس دولتی منتقل شدند؛ خبر می‌دهد.

گرجستان مدارس ابتدایی و متوسطه به زبان کردی وجود دارد. در ایروان، یک کرسی کرد شناسی در مؤسسه تعلیم و تربیت ارمنستان ایجاد گردیده و همچنین تعداد زیادی کتب درسی برای استفاده مدارس کرد زبان توسط کردشناسان ارمنستان در ایروان به چاپ رسیده که در میان آنها می‌توان آثار T.Maragulov و R.Drambjan را ذکر نمود، و بعد از سال ۱۹۳٦ کتابهای کردی توسط مولفین کرد امین اودال Amine Avdal و نادری W.Nadri و غیره به چاپ رسیدند. سرانجام، از آغاز جنگ، دو گرامر بسیار کامل بوسیله که- کوردوف K.Kurdoev· و ای سکرمن ·I.I.Tsukerman· در ایروان و مسکو به چاپ رسیدند.

تاریخ ادبیات کردی روسیه که اخیراً ایجاد گردیده به زمان تغییر الفبای کردی به لاتین برمی‌گردد· و از آثار متعددی که در زمینه‌های اشعار - داستان و رمان برخوردار است. در ماه اوت ۱۹۵۸ در کنگره دانشجویان کرد در اروپا اعلام گردیده که در طول سه ساله اخیر بالغ بر ۱۵۰۰ جلد کتاب و رسایل به زبان کردی تالیف و در روسیه به چاپ رسیده است. معروفترین نویسندگان کرد روسی عبارتند از عرب شامیلوف A.Shamilov آ، جوندی A.Gindi لازو Lazo ، کاسک Qasek میراد Mirad ، نادری سیواس که اکثر آثار آنها در ایروان به چاپ رسیده است. و همچنین روزنامه ·Reya Taze· ·راه جدید· از سال ۱۹۳۹ هفته‌ای دوبار در ایروان به چاپ میرسید. و در فاصله سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۵٤ چندین دیوان شعرا و نویسندگان کرد زیر نظر

ژ.جلیل G.Galil در ایروان به چاپ رسیده اند.

در سال ۱۹۲۲ الفبای کردی به الفبای ارمنی تبدیل و سپس در سال ۱۹۲٦ بوسیله ایسور روگلوف Aissor Marogulov و عرب شامیلوف A.Shamilov به الفبای لاتین تغییر و در سال ۱۹۲۸ این تغییر رسمیت یافت.

در سالهای ۱۹٤٤ و ۱۹٤٥ الفبای سیربلیك (الفبای اسلاو) که دارای سی ونه علامت بود(نه علامت با صدا و سی علامت بی‌صدا) و توسط ادبایی چون کاپاك جان Kapacjan و جوندی A.Gindi تهیه شده بود جایگزین الفبای لاتین گردید که کوردوف K.Kurdoev در اثر معروف خود بنام "گرامر زبان کردی"

Grammatica Kurkoyo Jazyka

جدول تطبیقی پنج نوع الفبای کردی را به این شرح تهیه نموده است: الفبای عربی- الفبای سیریلیك ۱۹٤٥ و لاتین روسی ۱۹۲۷ و لاتین سوریه‌ای و لاتین عراقی. لازم به یادآوری است که کردشناسی روسی در شهرهای مسکو لنینگراد به سرعت روبه توسعه است و بسیاری از کردشناسان دانشگاههای مختلف اصالتاً کرد هستند.

بخش دوم
تاریخ حرکتهای ملی کرد
فصل اول
کردها تا قرن نوزدهم

به نظر ولادیمیر مینورسکی[1] بسیار محتمل است که اصل و منشاء کرد از دو قبیله هم خون «سیرتها» «Cirtes» و مادها «Mardes» بوده که با هم نقل مکان کرده و بعد از سقوط «نینوا» بسال ۶۱۲ قبل از میلاد به قبایل هند و اوروپایی که از دو هزار سال قبل از میلاد از قسمت جنوب روسیه به کردستان مهاجرت نموده و به لهجه مادی تکلم می‌نمودند ملحق شدند. اسناد و مدارک بسیار قدیمی وجود قبایلی به نام «کارداک» «Kardaka» را در این منطقه تایید می‌کند.

نویسندگان و محققین کلاسیک یونانی و رومی بارها اسامی نزدیک به آن مانند:

«کردین» «Corduenne»، «گوردیا» «Gordiae»، «کاردوچی» «kardovchoi»، کاردوک» «Cardouque» که دهها هزار سال قبل با آنها برخورد کرده

(1)- Actes du Xx^{me} congres international des orientalistes bruxolles 5-IO sept I938.P.I5I.

اندرا نام می‌برند.[1] مورخین و جغرافیدانهای عرب وجود کردها را یادآور می‌شوند لکن بندرت فرضیه‌ای در باره اصل و منشاء آنها بیان می کنند.

بطور کلی قوم کرد در دره‌های سلسله جبال زاگرس یعنی در کردستان ایران هم که هنوز به ·کردستان قدیم· معروف است متمرکز شده و سپس به کردستان مرکزی و جنوبی (عراق) و سرانجام کردستان غربی و بین النهرین(ترکیه) کشیده شده اند.

بعد از سقوط امپراطوری ماد بسال ۵۵۵ قبل از میلاد مرکز کردها در کردستان ایران بود و قبایل کرد دیگر نتواستند متحد شوند و مانند دوره ماد نقش سیاسی فعال را اجرا کنندلذا در کوهستانها برای خود زندگی مستقلی را تشکیل دادند و فقط نیروی نظامی مورد نیاز را در اختیار قدرتهای وقت قرار می‌دادند. لکن هیچگاه موفق نشدند در میان خود وحدت و هماهنگی ایجاد کنند.

در قرون وسطی تعداد زیادی از قبایل کرد از حالت ییلاق و قشلاق بدر آمده و اسکان یافتند و در نتیجه کردستان از حاکم نشین های مستقلی پوشیده می‌شد که تعداد زیادی از آنها در طول تاریخ پیشرفت‌های چشمگیری داشته اند و مانند سایر اقوام آسیایی اسلام برای آنها نیروی عظیم تمدن بخشی بود که مدتهای مدیدی تحول اجتماعی و سیاسی آنها راتعیین می کرد.

---

(1)- Xenophon, Anabase,IV,4,18,6,5,7, 1,5,7,17

در میان سلسله‌های معروف کرد که مدت فرمانروایی آنها نسبتاً طولانی بوده می‌توان سلسله‌های زیر را ذکر نمود:

۱- سلسله شدادی که در سال ۹۵۱ محمد شدادبن کارتو رییس شاخه راوندی تاسیس گردید. و دیگر سلسله ایوبی مصر است[۱] که بوسیله صلاح الدین ایوبی تاسیس و بوسیله ملکشاه سلجوقی منقرض گردید.

والیان و حکمرانان کرد آثار تاریخی بسیار جالبی از خود بیادگار گذاشته اند. از جمله می‌توان از دو مسجد معروف در شهر آنی ·Ani· ترکیه (شهر ۱۰۰۱ کلیسا) نام برد سلسلهٔ دیگر کرد، سلسله حسنویه است که به سال ۹۵۹ در منطقه جبال بوسیله حسنویه بن حسن رییس طایفه ·برزیکان· تشکیل و برکن الدوله آل بویه خدمت نموده است.[۲]

سومین و معروفترین سلسله کرد، سلسله مروانی است که بوسیله ابو علی بن مروان بن دوستک تاسیس و از سال ۹۹۰ تا ۱۰۹۶ ادامه یافت. قلمرو این سلسله سرزمینهای دیاربکر و جزیره و بعضی شهرهای ارمنی و همچنین اورفا ·Ourfa· را در برمی گیرد.

---

(1)- V.Minorsky. Studies in caucasane History I.new light on the shaddaddids of Ganja. II the shaddaddis of ani in oriental series of the university of cambridje vol.VI 1953.

(2)- CF.E De Zambaur Manvel de Genealofie et de chronolgie de Li slam orient-Buchhandlung Heinz lafaire Hannover 1927.P.211.

همچنین می‌توان از سلسله‌های بانو اناز، Banou Anaz در جبال و شبانکاره در فارس در قرن یازدهم و سلسله هر سپید، Haraspides (۱۱٤۸- ۱۳۳۹) از اتابکان لرستان بزرگ نام برد.

ایوبیها که در استقرار سلسله‌های کرد نقش عمده‌ای داشتند، از نظر نظامی موقعیت ویژه‌ای را دارا بودند.[1] اما با ظهور مغولها در قرن سیزدهم نقش کردها محو می‌شود و از کوهستانها کوچ و مناطق مسکونی آنها تدریجاً زیر نظر اقتدار امرای مغول قرار می‌گیرد.[2] بعد از مغولها سلسله‌های رقیبی چون ترکمن‌ها بر کردستان حکمروایی کردند و آنها را در جنگهای سیاسی- مذهبی درگیر نمودند.

شرفنامه، مواردی را که حقوق سران کرد بوسیله تیمور لنگ مورد تائید قرار گرفته ذکر می‌کند. بالعکس ترکمن‌ها در قرن پانزدهم خانواده‌های بزرگ کرد را معدم کردند. در قرن پانزدهم هنگامی که ترکها، قسمت ارامنه و کردستان را (۱۵۳٦-۱۵۱٤) اشغال کردند سلطان سلیم اول عثمانی با مشاورت ماهرانه وزیر کردش ادریس بتلیسی سرکوبی کردها را از سر گرفت سپس ادریس ماموریت یافت مناطق کردها که به ایالتهای کوچک تقسیم شده و غالباً در راس هر کدام یک کرد قرار داشت سازماندهی نماید و هر قبیله‌ای ملزم بود در صورت لزوم سربازان مورد نیاز را برای سلطان تأمین نماید. لکن بعلت دوری از حکومت مرکزی و مشکلات ارتباطی رؤسای کرد از تعهدات خود سرپیچی نمودند. در قرن هفتدهم هنگامیکه عثمانیها برای

---

(1)- CF.E. de zambaur, op.cit, dynasties kurdes P.P.264.265,266,et passim.

(2)- CF,Le Tableau des kurdes au temps eds sultans mamlouks que V.Minoresky (les kurdes art , cit P.P I205-I206).

اولین بار از اروپا شکست خوردند و حکومت فارس روز بروز تضعیف می گردید و دیگر نمی‌توانست رقیب جدی به حساب آید. قسطنطنیه می‌ترسید که مبادا در قلمروهای کرد یک حکومت رقیب ایجاد شود لذا تصمیم گرفت تمامی مناطق کردنشین را متمرکز سازد و همین امر موجبات نارضایی عمومی کردها را در مناطق کردنشین فراهم و در نتیجه خمیر مایه یک جنبش ملی کرد را در پایان جنگ جهانی اول پایه گذاری نمود. از طرفی دیگر مقامات ایران استقلال حکام کرد را که به دربار وابسته بودند به رسمیت شناختند و حکام لرستان و اردلان بخوبی گواه نفوذ فئودالیسم کرد در این دوره است. در خلال دوره فترت، در قرن هیجدهم که جنگهای نادر شاه مشخصه این دوره است کردها اثرات هرج و مرج طلبی را به خوبی تحمل نموده و پس از مرگ وی کریم خان زند که خود نیز کرد بوده از سال ۱۷۶۰ تا ۱۷۶۹ بر قسمت اعظم ایران فرمانروایی کرد.[۱] در این هنگام فقط حکام اردلان مستقل ماندند که آنها نیز تدریجا" امتیازات خود را از دست دادند بطوریکه در سال ۱۸۶۰ یکی از قاجارها جانشین آنها شد. به تحقیق ثابت می‌شود که از قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم هنگام تحکیم امپراطوریهای ترک و فارس توده‌های عظیم کوهستان نشین از یک طرف و رقابت‌های شدید خان‌های فئودال از طرف دیگر آنچنان موانعی را ایجاد نمودند که حکام کرد هیچگاه موفق به برطرف نمودن آنها نشدند.[۲]

---

(1)- Selon Le Cheref nameli I,323, les Zands etaient un tribu kurde.

(۲)- شرف الدین خان تبلیسی در شرفنامه نقل می‌کند :توافق و هماهنگی هیچگاه در میان قوم کرد که حاضر به اطاعت و تبعیت از یکدیگر نبوده . هیچگاه سر تعظیم در مقابل هم فرود نمی‌آوردند حکم فرما نبوده است.«

فصـــــل دوم
شورش‌های کردها در قرن نوزدهـــم و حرکت ملـی آنها در خلال جنـگ اول جهانـــی

هنگامی که روسها کردهـا را در سـال ۱۸۰٤ بـر علیـه نیروهـای عثمانی تحریک و تهییج نمودند شورش آنـان آغـاز می گـردد. در ایـن ایام امیر بدرخان چندیـن بـار قـوای تـرک را شکست داد. شورشـهای بلباس ·Bilbas· در سال ۱۸۱۸ که مدت اندکی ادامه یافت، عامل اصلـی آن اتحاد بین کردهـای چادرنشـین ایـران (ایـروان– نخجـوان–خـوی)، کردهای بایزید و وان بود که بوسـیله قـوای امـیر لشـکر ارزروم در هـم شکست.

در سال ۱۸۲٦ ، حاکم سیواس رشید محمد پاشا ماموریت یـافت با سران کردها مصالحه کند و حکام ترک را بر مسند قدرت بنشاند. در حوالی سال ۱۸۳۰ یک جنبش عظیم کرد در بسـیاری از منـاطق بوجـود آمد سران آنها عبارتند از: بدرخان، سعید بگ، اسماعیل بگ، و محمـد پاشای رواندوز. این سران ادعای استقلال می کردند و قوای محمد پاشـا در سال ۱۸۳۳ بر اربیل و موصل استیلا یافت و به منظور استقرار قـدرت بدرخان تا زاخو ·Zakho· و جزیره ·Djezireh· پیشروی نمودنـد. لکـن در سال ۱۸۳۵ محمد پاشا بوسیله قوای عثمانی دستگیر گردید.

در سال ۱۸۳٦ شورشهای جدیدی موجب قتل عام هـزاران کـرد گردید. و در سـال ۱۸٤۳ قیـام نـور البـابگ هکـاری بدرخـان جزیـره شروع شد و چهـار سـال بعـد(۱۸٤۷) بـدر خـان و نورالله بـگ هـر دو

دستگیر و تبعید شدند.[1]

یزدان شیر با استفاده از مشکلات داخلی دولت عثمانی که از جنگ با روسیه ناشی می‌شد در سال‌های ۱۸۵۵-۱۸۵۳ در مناطق هکاری و بوتان قیام نمود و بر مناطق بتلیس و موصل و سپس بر تمامی سرزمینهای بین ·وان· و ·بغداد· تسلط یافت و نسطوریها نیز زیر پرچم او قرار گرفتند. در سال ۱۸۵۵ نامبرده قربانی توطئه سفارت انگلیس شد و در استامبول زندانی گردید.

جنگ سالهای ۱۸۷۸-۱۸۷۷ بدنبال قیام کردهای هکاری، بهدینان و بوتان بسرکردگی پسر بدرخان و سپس، حرکت شیخ عبیدالله نهری بوقوع پیوست. هدف آنان تشکیل یک کردستان خود مختار زیر نظر دولت عثمانی بود و جرقه آن به سرحدات ایران تا مرز شمدنیان (ارومیه، بناب، مراغه) کشیده شد و حتی تبریز را نیز تهدید می‌نمود. این قیام فقط با مداخله ایران و ترکیه می‌توانست خاتمه یابد. حرکتهای آزادی بخش ملی کرد یک عنصر مجزا نبود بلکه در چارچوب کلی حرکتهای آزادی بخش که در قلب امپراطوریهای چند ملیتی توسعه می‌یافت مطرح بود. هنگامی که ملتهای کوچک اروپائی از امپراطوریهای بزرگ اروپای مرکزی درخواست استقلال کامل می‌نمودند و برای کسب آن با دشمنان این امپراطوریها همکاری داشتند، در امپراطوری عثمانی مساله به شکل دیگری مطرح بوده است یعنی اگر یونانیها، بلغاریها، عرب‌ها و کشورهای مسیحی بطور کلی تا

---

(۱)- بدرخان بکندیCandie تبعید و در سال ۱۸٦۸ همان جا وفات یافت.

سال ۱۹۱٤ برای کسب استقلال می‌جنگیدند، ملتهای مسلمان غیر ترک نمی‌خواستند امپراطوری عثمانی را ترک گویند و خواسته‌های آنان صرفاً به کسب حقوق ملی خود در قلب امپراطوری منحصر می‌شد. این حالت در مورد میهن پرستان عرب و جوانان ترک صادق است. بدنبال انتشار یک نشریه دو زبانه (کرد، ترک) بنام کردستان است که ارتباط میان پرچمداران نهضت ملی کرد مجدداً برقرار می‌گردد و خواسته‌های استقلال طلبانهٔ آنها متبلورمی‌شود. این روزنامه در سال ۱۸۹۸ در قاهره تاسیس و سپس به ژنوو بعد دبه ·Folkstone· انگلستان واستامبول تغییر مکان داده و در خلال جنگ اول جهانی (۱۹۱۸–۱۹۱٤) مجدداً در قاهره بچاپ می‌رسید. نویسندگان آن که همگی از خانواده بدرخان بودند عبارت بودند از امیر مدحت، امیر عبدالرحمن و ثریا تغییر یافتند. از طرفی دیگر شیخ عبدالقادر روزنامه ·Hetavi-Kurd· ·خورشید کردستان· را در سال ۱۹۰۸ منتشر به ارگان ·انجمن تعاون و پیشرفت· تغییر یافت.

اختلافات میان طایفه بدرخان و سادات نهری بالا گرفت و در نتیجه چاپ روزنامه مذکور متوقف گردید. چون سازشی حاصل نشد لذا نهضت نیز پراکنده شد. بعد از این واقعه عبدالرزاق بدرخان در صدد درک نیات روسها برآمد و سپس راهی پاریس شد و در آنجا اقامت گزید و سایر اعضای خانواده مشارالیه نیز روانه مصر گردیدند.

در سال ۱۹۰۹ جوانان ترک تشکیلات کرد را معدوم و مکتب ·چنبرلی· را تشکیل دادند گروهی از دانشجویان و قضات کرد در سال

۱۹۱۰ تصمیم بـه ایجـاد اولیـن حـزب کـرد بنـام «Heiva ya kurde» «امید کرد» گرفته و این حزب اقدام به نشر ماهنامه‌ای بنام «Roja Kurde» «روز کرد» نمود.

فردای جنگ اول جهانی ترکیه خواست کردها را که از نـیروی نظـامی قوی برخوردار بودند بخود ملحق نماید. ابتـدا بـا یـک تبلیغـات ماهرانـه موفق گردید که به آنها بقبولاند تکلیف ملی آنـان اینسـت کـه بـر علیـه متفقین وارد کارزار شوند و در همان حـال سلطان راشـد سیاسـت پـان ترکیسـم را تعقیـب می‌نمـود و تصمیـم گرفـت کردهــا را بــه منــاطق کردنشین انتقــال دهـد؛ کردهـا از ایـن سیاسـت دولـت ترکیـه حمـایت نکردند. رؤسای کرد هموند 'Hamamwend' و همچنیـن شـخصیتهای سـلیمانیه انگلیسها را برای تشکیل یک دولت موقت کرد به ریاست شیخ محمود برزنجـی دعـوت بـه همکـاری نمودنـد. روز هفتـم مـاه ۱۹۱۸ نیروهـای نظامی انگلیس شهر کرکوک را اشغال کردند. لکن تحت فشـار ترکهـا که منطقه را در اشغال کـامل خـود داشـتند و بـه انتقـام جویـی پرداختـه بودند، انگلیسها ناگزیر نیروهای خود را از منطقه خارج و تا زمان ترک مخاصمه یعنی نوامبر همان سال به سلیمانیه مراجعت ننمودند.

سـیرآرنولد ویلسـون «Sir Arnold Wilson» کمیســر کشــوری انگلیس با تمام قدرت از حکومت شیخ محمود حمایت می کرد و تمـام کارکنان ترک و عـرب را برکنـار و کردهـا را بـه جـای آنهـا منصـوب نمود، معذلک انگلیسها تصمیم گرفتنـد قسـمتی از خـاک کردسـتان را تحت کنترل مستقیم خود درآورند و دیری نپایید کـه کردهـا نارضـایی

خود را از این تصمیم اعلام نمودنـد و در مـاه مـی ۱۹۱۹ شـیخ محمـود یک سرگرد انگلیسی را دستگیر و زندانی نمـود. انگلیسـها نیز واکنش نشان دادند و آرامش منطقه بهم خـورد؛ شـش هفتـه وقـت لازم بـود تـا مجدداً آرامـش برقـرار گـردد. در ایـن شـرایط بسـیار حسـاس آرنولـد ویلسون تاکید کرد که حوادث اخیر عقیده وی را در مورد اعطای خود مختاری به کردها تغییر نداده اسـت و بنظـراو انگلسـتان بعلـت موقعیـت خاص جغرافیایی و اسـتراتژیکی و همچنیـن منـابع طبیعـی سرشـار لازم است کنترل شدیدتری را بر منطقه اعمـال نمـاید.[1] معذلـک حرکـت از توسعه باز نایستاد و کردها که در دسـامبر ۱۹۱۹ در مـورد تمـام مسـایل حقوقی خود با ارمنی‌ها موافقتنامه‌ای را در پاریس امضاء کـرده بودنـد، از طریق نماینده خـود ژنـرال شـریف پاشـا بـه کنفرانـس صلـح جهـانی شکایت نمودند.[1] هر چند که عهدنامه «Sevre» «سور» کاغذ پاره‌ای بیـش نیسـت حداقل فایده‌ای که داشت این بود که حرکـت قـاطعی در تحـول مساله کرد ایجاد نمود.

---

(1)- Sir A.Wilson . Mesopotamia. 1917-1920. Oxford 1931.P.144.

(۱)- نماینده کردها در تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۱۹ و اول مارس ۱۹۲۰ دو یادداشت حاوی خواسته‌های کرد و یک نقشه کردستان را به کنفرانس صلح جهانی ارایه نموده بود.

فصـــل ســوم
عهدنامه‌های سور Sevre
لوزان Lausanne

الف- عهدنامه ·سور·:

کنفرانس·San.Remo· ایتالیا از تـاریخ ۱۹ تـا ۲۶ آوریـل ۱۹۲۰ از سران متفقین تشکیل گردید تکفـل انگلسـتان را دربـاره بیـن النهریـن و فلسطین مورد تایید قرار داد. قرار شـد انگلسـتان موصـل را بـرای خـود نگهداردولی ۲۵٪ منافع نفتی آنجا را بـه نفـع فرانسـه تضمیـن نمـاید. در میان کنفرانس‌های متشکله فقط کنفرانس سور پابرجا و در تاریخ دهـم اوت ۱۹۲۰ به امضـاء رسـید. تفسـیر و قضـاوت دربـاره ایـن عهدنامـه از عهدهٔ مـا خـارج اسـت. فقـط در اینجـا نکـات برجسـته ·چهـارده مـورد· معروف پریزیدنت ویلسـون را دربـاره اینکـه حقـوق ملـل بـه خـودشـان واگذار شـود انتخـاب می‌کنیـم کـه بـر اسـاس آن شـرایط وجـود یـک کردستان خودمختار فراهم می‌گردد:

مـاده ۶۲ قیـد می‌کنـد: ·کمیسـیونی ظـرف شـش مـاه از تـاریخ تصویب عهدنامه، طرح خودمختـاری محلـی منـاطق کردنشـین را تهیـه

نماید.

قسمتی دیگر از مفاد عهدنامه که در ماده ٦٤ بیان گردیده یادآور می‌شویم:

«قدرتهای بزرگ متفقین حق مداخله در پیوستن ارادی کردها به این دولت خودمختار را ندارند» ؛ منظور کردهای ساکن منطقه موصل می‌باشد. این عهدنامه که در مجموع خواست کردها را به (استثنای کردهای ایران) برآورد می‌نمود، هیچگاه جامه عمل به خود نپوشید و بجز عهدنامه اثری از آن برجای نماند. معذلك مصطفی کمال مفاد آن را مردود شمرد و لذا حوادثی را که منجر به حمله یونان به ترکیه و پیروزی ترکها گردید در اینجا بیان نمی‌کنیم و فقط به این مطلب که ترك مخاصمه مرمره در ١١ اکتبر ١٩٢٢ مقدمه‌ای شد برای تشکیل عهدنامه لوزان اکتفا می‌کنیم.

ب- عهدنامه لوزان

بنا به پیشنهاد لرد کورزن «Lord -Curzon» در ١٣ نوامبر ١٩٢٢؛ کنفرانسی در لوزان تشکیل و چندین ماه بطول انجامید. ترکها بعلت خستگی از جنگهای مداومی که بدون وقفه از سال ١٩١١ ادامه داشته شرکت در این کنفرانس را پذیرفتند؛ و بعلاوه ترکها روی پشتیبانی و حمایت احتمالی روسها به خاطر توافقی که در انکارا بین فرانسه و ترکها صورت گرفته و رقابت بین فرانسه و انگلیس را شدید می‌نمود حساب میکردند. و آنها امیدوار بودند با مذاکراتی که قبلاً با ایالات

متحده در مورد نفت داشتند سرانجام مورد حمایت قرار گیرند.

در این کنفرانس مساله کرد به حقوق ملی آنها در ترکیه و تعیین سرنوشت موصل محدود شد. نمایندگان ترکها از این تز که ·کردها و ترکها در حالیکه با زبانهای مختلف تکلم می‌کنند و در سایر موارد از جمله نژاد و ایمان و اعتقاد و رسوم و سنن با هم اختلافی ندارند و بلوک[1] واحدی را تشکیل می‌دهند·؛ حمایت می‌کردند؛ معذلک ترکها مخالف قبول هر گونه تعهدی در قبال اقلیت کرد بودند.

سیاست انگلیس این بود که شهر موصل را جزو عراق نماید. در اکتبر ۱۹۲۲ نیروی عظیمی از اعراب به فرماندهی افسران انگلیسی و هندی به سرزمین‌های مورد اختلاف در بین النهرین یورش بردند و هدف آنها ظاهراً ·دفاع از برادران و نجات دادن آنها از حملات خشونت بار ترکها بود·[2] و در نتیجه شهر موصل به یک شهر عربی مبدل شد.در کنفرانس احزاب مخالف ملیت ساکنین منطقه را مورد استناد قرار دادند؛ ترکها مدعی بودند که از جمعیت ۵۰۳۰۰۰ نفری منطقه بدون احتساب اعراب بادیه نشین ۲۸۱۰۰۰ کرد و ۱۴۶۰۰۰ ترک و ۴۳۰۰۰ عرب و ۳۱۰۰۰ غیر مسلمان می‌باشند، با در نظر گرفتن اینکه کردها نژاداً ترک هستند ۸۵٪ جمعیت موصل ترک هستند. در حالیکه انگلیسها مدعی بودند که جمعیت موصل ۷۸۵۰۰۰ نفر است

---

(1)- Conference de Lausane discurs dismet pacha a la seance du 23 Janvier 1923.
(2)- Anton Mobs the iil war. P.P. 163 s44

که ۴۵۴۰۰۰ کرد و ۱۸۵۰۰۰ عرب و ۶۵۰۰۰ ترک و ۶۲۰۰۰ مسیحی و ۱۶۰۰۰ یهودی میباشند که کردها نیز ایرانی الاصل می‌باشند.

در نتیجه با درخواست نماینده فرانسه که خو هان ۲۵٪ از سهام کمپانی نفتی ترکیه بود مساله پیچیده تر شد. سرانجام لرد کورزن Lord Curzon تصمیم گرفت با نمایندگان آمریکایی که قبلاً وعده ۲۵٪ از سهام کمپانی نفتی ترکیه را داده بودند مذاکره نماید. این مانور سبب گردید که فرانسه از صحنه خارج و ترکیه که بعد از این از حمایت آمریکا محروم می‌شد و در انزوا قرار می‌داد سر تسلیم فرود آورد. حقیقتی است انکار ناپذیر که ترکیه با تسلیم شدن به انگلیس حاضر نبود از منافع اساسی خود که عبارت بود از عدم اجرای مفاد عهدنامه سور والغای رویه کاپیتولاسیون و حفظ قسمت مهمی از کردستان بود صرفنظر نماید.

از این لحظه به بعد عصر جدیدی برای کردها آغاز می گردد و مساله کرد به فرم جدیدی مطرح می گردد. و آن عبارتست از تقسیم کرد میان پنج دولت مختلف و بنابراین جنگ کردها صرفاً به خاطر کسب حقوق ملی نبود بلکه ناگزیر بودند برای پیوند و اتحاد مشترک بین خود تلاش کنند. این جنگ جامعی برنامه معلومی نداشت، زیرا کردها که در مقیاس یک دولت واحد قیام می کردند لکن هیچگاه با هم متحد و متفق نبودند؛ و همین امر را می‌توان از دلایل عمده شکست آنها در طول تاریخ دانست، معذلک برخی از دولتها تلاش نمودند تاکتیک‌های خود را بر علیه کردها هماهنگ نمایند و به همین دلیل است که تاریخ

ملی نهضت کرد بعد از عهدنامه لوزان به سـال ۱۹۲۳ در ترکیـه، ایـران، روسیه، سوریه و عراق را بـه طـور جداگانـه مطالعـه و بررسـی خواهیـم نمود.

فصـــل چهارم
مســـاله کـرد در ترکیـــه

عهدنامه لوزان در ژوئیه ۱۹۲۳ برای ترکها یک عهدنامه موفقیت، آمـیزی بـه شـمار مـی‌رود بـه خصـوص بـرای مصطفـی کمـال. تمــامی، تعهداتی که ترکها در مورد کردها تقبل نموده بودند، هیچگاه اجرا نشد و از سـال ۱۹۲٤ اسـتفاده از زبـان کـردی در کردسـتان ممنـــوع اعــلام گردید؛ و مقامات محلی، روشنفکران و سـران کـرد کـه بخـاطر آزادی عقیده و ملی گرایی شهرت داشتند تبعید گردیدند.

شورش سال ۱۹۲۵

در ماه فوریه ۱۹۲۵ ارتش مقاومت ملی به سـر کردگی سـرهنگ خالد بگ رییس قبیله جبهان و شیخ سـعید پـیران بـر علیـه قـوای تـرک واکنش نشان دادند و افسران، روشنفکران و رؤسای قبایل کـرد بـه ایـن نهضت ملحق شدند. شورش از کنج ·Guendj· ما بین آرگانـا · Arghana· و بتلیس ·Bitlis· شروع و بسایر قسمتهای منطقه سرایت نمـود؛ بطوریکـه در اواخر فوریه همــان سـال بیـش از ١٤ ولایـت از قسـمتهای مـرزی از جمله ولایت قدیـم دیـاربکر، العزیـز، کـاربرت، وان، بتلیـس و قسـمت جنوبی ارزروم را) در بر گرفت. دولت ترکیه چون می‌دانست کـه ایـن مساله گرایشی به تاسیس یک دولت خودمختار کـرد دارد بلافاصلـه در مناطق بحرانی حکومت نظامی اعلام کرد و گروهها و دسته‌های فعال را

جابجا نمود و بر فشار خود بر منطقه افزود.[1] در این اقدام دولت ترکیه مورد تقبیح و ملامت سایر قبایل کرد مخصوصاً گوران و گروههای واقع در شمال زاخو که در این شورش شرکت نداشتند قرار گرفت. شیخ سعید پیران و سرهنگ خالد بگ دستگیر و در دادگاه نظامی دیاربکر همراه با ٤٨ نفر از سران ملی گرای کرد محکوم به اعدام و در اوت ۱۹۲۵ حکم بمورد اجرا درآمد.

حوادث سالهای ۱۹۲۷-۱۹۲۸

فشار و سخت گیری خشونت بار ترکها احساسات ملی کردها را بیش از پیش جریحه دار نمود و در بهار ۱۹۲۷ یک کنگره مخفی در کوههای آرارات تشکیل گردید. در این کنگره نمایندگان سازمانها، شهرها و دهات شرکت داشتند. آنها تصمیم گرفتند تا خروج کامل

---

(۱)- اثر ه.ث. آرمسترانگ، مصطفی کمال (گرگ خاکستری) که در سال ۱۹۳۳ به فرانسه ترجمه گردید: کردستان با آهن و آتش منهدم گردید؛ مردان شکنجه و بقتل رسیدند؛ روستاها به آتش کشیده شدند؛ خرمن‌ها سوخته شد؛ بچه‌ها ربوده و بقتل رسیدند؛ مصطفی کمال دادگاههای نظامی ویژه با اختیارات تام در این منطقه دایر نمود. این دادگاهها هزاران نفر را تبعید، زندانی و بدار آویخته و تمام منطقه را پاکسازی نمودند. ل. رامبو L.Rambout در اثر خود به نام: کردها و حقوق ص ۲۸ یاد آور می‌شود که در خلال سالهای ۲۸ - ۱۹۲۵ ، ۲۰٦ دهکده و ۸۷۲۸ خانه به آتش کشیده شدند و ۱۵۲۰۰ کرد به قتل رسیدند و در خلال این مدت تبعیدهای زیادی نیز به طرف دهکده‌های ترک نشین صورت گرفت.

ترکها از مناطق کردنشین به جنگ ادامه دهند. ضمناً تصمیم گرفته شد با همسایگان ارمنی خود آشتی کنند.

در نهم ماه اکتبر ۱۹۲۷ «حزب خویبون» «استقلال» تاسیس گردید. این حزب کردهای قدیمی مانند «کرد تالی سمیتی»، «کرد تشکیلات سمیتی»، «جمعیت» «ملت فرقه سی» و «کمیته استقلال کرد» را شامل می‌شد.

یک سپاه به فرماندهی احسان نوری پاشا تبلیسی و یک واحد اداری به ریاست ابراهیم پاشا در آگری داغ (کوه آرارات) که به روی آن پرچم کرد را برافراشته بودند تاسیس گردید. دولت آنکارا با کردها وارد مذاکرات شد و درسپتامبر ۱۹۲۸ برای رؤسای کرد که اطاعت از دولت را پذیرفته بودند عفو عمومی اعلام نمود و پاره‌ای امتیازات شخصی به احسان نوری بگ داد ولی از خواسته‌های ملی آنان سخنی به میان نیاورد. نمایندگان کرد پیشنهادات دولت ترکیه را نپذیرفتند و لذا حکومت ترکیه به سلاح متوسل شد. دو لشکر ترک به فرماندهی صالح پاشا در حوالی آگری داغ متمرکز گردید. پس از نبرد شدیدی که میان آنها در گرفت ترکها مجبور به عقب نشینی شدند. و تصمیم به اذیت و آزار کردها گرفته و آنها را تا سرحد قحطی و گرسنگی رساندند؛ و کردها ناگزیر تسلیم شدند. پس از یکسال احسان نوری به ایران پناهنده شد. بدنبال این حوادث دولت ترکیه در ماه می ۱۹۳۲ قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن تمام سرحدات کردستان ترکیه به چهار منطقه تقسیم می‌شد. یکی از آن مناطق به دلایل بهداشتی، اقتصادی،

فرهنگی، سیاسی و استراتژیکی کلاً تخلیه و ممنوع اعلام گردید. این قانون نظام اجتماعی قبایل کرد را نیز متلاشی نمود. و تمامی حقوق مکتسبه (حتی حقوقی که قانون به آنها داده بود) را ملغی نمود. قدرت و نفوذ رؤسا، بگ‌ها، خانها و شیخ‌های کرد و همچنین ارگانها و مؤسساتی که قانوناً و یا بر اساس سنت و رسم و رسوم محل تاسیس شده بود ملغی اعلام گردید. و همچنین برای کسانی که به زبانی غیر از زبان ترکی تکلم می‌کنند ایجاد دهکده‌های جدید، محلات، تشکیلات صنعتی، کارگری یا سایر حرف ممنوع گردید. بر اساس تصمیم هیات وزیران، وزیر داخله حق داشت هر گونه دستجات را، حتی آنهایی که قبلاً وجود داشته‌اند متفرق و پراکنده نماید.[1]

بعد از این تاریخ است که ترکها رسماً کردهای ترکیه را ترکهای کوهستانی می‌نامند. صلاح الدین پسر شیخ سعید پسران که با وعده عفو از عراق به ترکیه آمده بود بازداشت و بوسیله دادگاه نظامی ارزروم محاکمه گردید. در سال ۱۹۳۳ پلیس بر علیه شیخ فخری که در حوالی دیاربکر زندگی می‌کرد وارد عمل شد. در سال ۱۹۳۵ توطئه‌ای در اسپارتا کشف شد که شیخ بادی اوز- زامان در آن شرکت داشت و در ژوین ۱۹۳۵ مامورن مالیاتی منطقه موش اعتصاب نمودند.

شورش در سیم ۱۹۳۸-۱۹۳۷

قانون جدیدی که در چارچوب سیاست تحلیل کردها در جامعه ترک به تصویب رسیده بود تحرک قابل ملاحظه‌ای مخصوصاً در

(۱) با وجود اعتراضات بین المللی، قانون مزبور از تصویب گذشت.

منطقه ·درسیم· یعنی ناحیه‌ای که بیشتر از همه جا تحت تاثیر قرار گرفت بوجود آورد. این منطقه که تا آن زمان هیچگاه در شورشهای علیه دولت شرکت نداشته بود در برابر تبعیدهای سیاسی قویاً" مقاومت نمود و نهضت مهمی تشکیل داد. در پاسخ شورش کردهای ·درسیم· و ·تنجلی· نیروهای نظامی قابل توجهی از ترکها بسیج شده و در ماه می ۱۹۳۷ منطقه را بمباران نمودند. چند ماه بعد جلال بگ وزیر داخله به پارلمان ترکیه اعلام نمود که دیگر مساله‌ای بنام مساله کرد وجود ندارد و تمامی راهزنان با توسل به زور متمدن شده اند. در واقع بعد از این جریانات است که دولت ترکیه متوجه گردید که بتنهایی از عهدهٔ این جمعیت شورشگر برنمی‌آید. لذا دولت آنکارا تصمیم گرفت که از ایران و عراق به منظور اتخاذ سیاستی مشترک دعوت نماید. و به همین منظور در هشتم ژوئیه ۱۹۳۷ یک قرارداد حسن همجواری در کاخ سعد آباد تهران منعقد گردید و ترکیه، عراق، ایران و افغانستان متعهد شدند که متقابلاً" امنیت مرزهای مشترک را تضمین نمایند.[۱]

لکن ملی گراهای کرد معتقدند که هدف اساسی این قرار داد در هم شکستن کرد گرایی بوده است. لوسیان رامبو

---

[۱] (۱)- ماده ۷ (قرارداد سعد آباد بتاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۳۷) هر یک از کشورهای متعهد، ملزم به اتخاذ راه حلهای مناسب در منطقه خود بر علیه تشکیل یا فعالیت گروههای نظامی،انجمن‌ها یا سازمانهایی که هدف آنان واژگونی، مؤسسات رسمی و اخلال در امنیت هر منطقه (مرز یا غیر مرز) سر حدات کشور دیگر بنمایند هستند.

Locien Rambout· با اشاره به ماده هفت این موافقنامه تایید می کند که فقط کردها هستند که می‌توانند هدف این ماده از موافقتنامه مزبور باشند.

موقعیت کردها در کردستان ترکیه بعد از جنگ دوم جهانی

موقعیت کردهای ساکن ترکیه نسبت به قبل چندان تغییر نیافته است. پیمان مشترک دولتهای ذینفع بر علیه کردها یکی از عوامل اصلی پیوستن ترکیه به عهدنامه بغداد در بیست و چهارم فوریه ۱۹۵۵ بود و در دسامبر ۱۹۵۹ برخی از شخصیتهای برجسته کرد دستگیر واندکی بعد دولت ترکیه قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن حق داشت هر فردی و همچنین اعضای خانواده وی که به خاطر فعالیت ملی گرای مورد سوءظن قرار گیرد دستگیر و توقیف نماید. در نوامبر سال ۱۹٦۰ دویست و چهل و چهار نفر کرد بخاطر ·توطئه بر علیه امنیت حکومت· دستگیر و مجرم شناخته شدند.

در آغاز شورش کردهای عراق، کردهای ترکیه در تهیه تجهیزات لازم برای آنها فعالانه شرکت نمودند و زنان و بچه‌های شورشیان را پناه داده و وسایل راحتی آنها را فراهم نمودند. حمایت و پشتیبانی کردهای ترکیه از کردهای عراق حرکت ملی گرایی کرد را در ترکیه متبلور نمود. در برابر عظمت این جنبش، موقعیت رسمی

کردها که آنها را بـه عنـوان ·ترکهـای کوهسـتانی· در نظـر می گرفتنـد، تغییر ناپذیر بود. م دوگان کلیک ·A.Dogan Kilic· در مجله ترک زبان · Bari Dunyassi· ·دنیای صلح· که در اکتبر ۱۹٦۲ در استامبول به چاپ میرسید ·در شـماره ۷ صفحـات ۲۷-۲٦· اعـلام مـی‌دارد کـه شـرق (کردستان ترکیه)، با جنبه‌های مختلفش امروز یـک مساله حساسـی را ایجاد کرده و شدت آن ممکن است کشور ما را بـلرزه درآورد. امـروز همميهنان کرد ما در مملکت بلوکی را تشـکیل می‌دهنـد کـه نمی‌تـوان خصوصیات قومی و فرهنگی آنرا منکر شد. لذا ملزم هستیم به این که با تمام حسن نیت بپذیریم که امروز میلیونها نفر که زبان مادریشان کردی است در ترکیه ساکن هستند و در میان آنها عده زیادی هستند که بر اثر بی‌توجهی ما به زبان ترکی آشنایی ندارنـد، لـذا بـاید دانسـت کـه زبـان کردی جزو میراث فرهنگی ما است و برماسـت کـه آنـرا نـه بـا احتیـاط بلکـه بـا عشـق و علاقـه دوسـت بداریـم و در تمـام زمینـه‌ها بـاید یـار و مددکار کردها باشیم.[1]

در اواخر امسال کتابی به زبان ترکی به نام:

·Kurterin menesi ve Kurt dili incelememeleri·

ریشه نژادی کرد و مطالعاتی درباره زبان کردی در اسـتامبول بـه چـاپ رسـید کـه در واقـع گلچینــی اســت. از مقــلات: ·MM.E.McCarus· ، ·V.Minorshy· ، ·Dofan Kilic· ، ·sihhensenanli·.[2]

-(1)- Traduction de M.colombe dans orient. N° 24. 1962 P.P 153 157.

(2)- Edite par les Editions de Drsim istanbol 1963.

در دسامبر ۱۹٦۲ یک نشریه ماهانه به دو زبان (کــردی ترکـی) بنام Diccle Ferat در استامبول به چاپ رسید که مطـالـب آن کـلاً بـه مسائل کرد اختصاص داشت و در آوریل ۱۹٦۳ تعدادی از دانشـجویان کرد در استامبول تراکتهای موسوم به Reya Rast (حـق حیـات) کـه بـه زبان کردی نوشته شده همراه با ترجمه ترکی آن دریافت می‌نمودند[1]

خبرنگار نشـریه «Vatan» «وطـن» استامبول در تـاریخ ١٤ مـارس ۱۹٦۳ مینویسد: «مطبوعات خارجی مملو اسـت از جزییـات مربـوط بـه کردستان و نقشه جمهوری کردسـتان آزاد آینـده کـه شـامل قسـمتی از آناتولی شرقی است در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسد. لازم به تذکر اسـت که در ترکیه مساله کرد بر روی عوامل اقتصادی، فرهنگی و قومی قرار گرفته است و راه حلهای تحمیلی را مد نظر قرار خواهد داد».

در بیست و هفتم ژوئن . ن حفظی اوگوزبکاتا «N.Hifzi Oguz Bekata» وزیر داخله ترکیه خبر دستگیری دوازده نفر که به جـز دو نفـر همه کرد ترکیه بودند به خاطر فعالیتهای جدایی طلبانه را بـه مطبوعـات اعلام نمود. و در همین هنگام متوجه می‌شویم که ٤۹ نفـر کـرد از سـال ۱۹٥۹ دستگیر و محاکمه آنها هم اکنون در جریان است.

---

(1)- Bulletin du centre dinformation pour le proche-orient,public avril 1963-PP.12-13.

فصـــل پنجـــم
مسالــــه کـــرد در ایـــران

برای درک و شـناخت موقعیـت کردهـا در ایـران بـاید بـه طـور اجمال به تاریخ مختصر این کشوررا بررسی نمود زیرا تـا هنگـام ظهـور اسلام، اقوام ایرانی دولتهایی را تشکیل دادند که کرد و فارس بـا هـم و در کنار هم زندگی می کردند. بنابراین کردها مانند سایر ایرانیـان خـود را از انساب امپراطوریهای ماد، هخامنشی، پارتها و ساسانیها می‌دانستند؛ لذا از نظر کردها همکـاری بـا فارسـها کـاملاً طبیعـی اسـت و حتـی از لحـاظ آداب و رسـوم و سـنن متقـابلاً بـه حقـوق یکدیگـر احـترام می گذاشتند؛ لکـن اگـر مذهـب تشـیع بطـور ناگهـانی مذهـب رسـمی صفویه‌ها اعلام نشده بود، محتمل بود که کردها در آغاز قرن شـانزدهم از سلطان سلیم عثمانی بر علیه شاه اسماعیل جـانب داری نمی کردنـد. و در نتیجه تمامی کردستان به همان صورت که در ابتدای تـاریخ بـوده از امپراطوریهای آریایی شرق خواه ماد، هخامنشی، پارت و ساسـانی جـدا نمی‌شد. قلمروهای کرد فقط اسماً به قدرت مرکزی وابسته بـوده انـد و شهرهای سنه، ساوج بلاغ، کرمانشاه همواره مراکز ادبی کرد بوده اند.

جز چند اقدام تلافی جویانه قـدرت مرکـزی کـه خـواه از خـود خواهی‌های چند شاه تازه به دوران رسیده به منظور حفظ پرستیژ و یا از بلند پروازیهای چند وزیر مفسده جـو ناشـی شـده باشـد اقـدام دیگـری صورت نگرفته و کردها عملاً از لحاظ آداب و رسوم و سنن از آزادی کامل برخوردار بودند و هر گاه که ملی گرایی فارسها رنگ ستمکارانه

به خود گرفته، ملی گرایی کردها نیز بیدار شده و از خود مقاومت نشان داده است؛ به عنوان مثال، در سال ۱۹۲۲ رضاخان بـر علیـه کردهـا وارد جنگ شد و دهها نفر از رؤسای قبایل کرد تبعیـد و یـا زندانـی شـدند و اموال و دارایی آنها مصادره گردید. هر نوع تشکیلات کـرد، اجتمـاعی ادبی یا اقتصادی ممنوع اعلام گردید. وقتی که اسماعیل خـان شـکاک در سال ۱۹۳۲ یک نیروی مقاومت ملـی را در منطقـه اوشـنویه بـر علیـه دولت تشـکیل داد در یـک معرکـه بـدام افتـاد و توسـط پلیـس بـه قتـل رسید.[1]

پس از آن توافقی که میان دولتهای ترکیه و ایران به عمل آمـده بـود بـا ملاقـات رضـا شـاه و مصطفـی کمـال در سـال ۱۹۳٤ مـورد تـایید قـرار گرفت و با انعقاد پیمان سعد آباد در سال ۱۹۳۷ که قبـلاً بـدان اشـارت رفت تحکیم یافت.

(۱)- اسماعیل خان شکاک معروف به (سمکو) که به عنوان حـاکم اشـنویه تعییـن شده بود بعد از انجام مذاکرات سیاسی میبایست هیات نمایندگی رسـمی دولـت را که برای تایید حاکمیت وی به محل آمده بودنـد تـا خـارج شـهر مشـایعت نمـاید. هنگـام مراجعـت نیروهـای پلیـس کـه در مدخـل شـهر قـرار داشـتند بـــر روی او همراهانش آتش گشودند. سمکو به عنوان قهرمان و سمبل جنگ به خـاطر آزادی شناخته شد.

جمهوری مهاباد[1]

در دسامبر ۱۹٤۱ هنگامی که قوای روس و انگلیس وارد ایران شدند، نیروهای نظامی ایران بزودی متلاشی شدند؛ در نتیجه منطقه شمال غربی دریاچه ارومیه جزو بخش اشغالی روسیه و قسمت جنوب دریاچه ارومیه تا حوالی کرمانشاه خالی از نفوذ اشغالگران بود؛ دو تن از رؤسای کرد در· بانه· و · مریوان · اعلام استقلال نمودند؛ حکومت ناتوان ایران به ظاهر اقتدار حکمرانان مناطق مذکور را به رسمیت شناخت. لکن هنگامی که قوای نظامی ایران در سال ۱۹٤٥ تجدید سازمان یافتند، بلافاصله مناطق جنوب سقز، بانه و سردشت را اشغال نمودند. منطقه آزاد کوچکی که میان سرزمینهای اشغالی ·در جنوب بوسیلهٔ نیروهای ایران و در شمال توسط نیروهای روسی· قرار گرفته بود اعلام استقلال نمود. بدین طریق اولین دولت کرد در مهاباد (ساوج بلاغ) با جمعیتی بالغ بر -/۲۰۰۰۰ نفر تشکیل گردید.

برای آگاهی از تشکیل این دولت کوچک، لازم به توضیح است که در سال ۱۹٤۳ سازمانی مخفی بنام ·Komela Djiwanen kord· ، ·کمیته نهضت ملی کرد· در ساوج بلاغ تشکیل گردید. و اثرات آن بسرعت در ایران، عراق و ترکیه گسترش یافت. سر ن این سازمان که اکثراً از روشنفکران بودند چندان جوان نبودند و این مساله را از طریق مخالفت آنان با رژیم بخوبی توجیه می‌شود. هیجده ماه بعد آنان تصمیم

(1)- William Eagleton Jr. the kurdish republic of mahabad. Oxford university pess. london. new york toronto 1963.142 PP.

گرفتند که با جناح چپ حزب ·Hewa· (که بوسیله حمزه عبداله - عونی یوسف و دکتر جعفر محمد عبدالکریم اداره می‌شد) و گروهی از کمونیستهای کرد جبهه واحدی را تشکیل دهند؛[1] این جنبش که تا آن ایام بصورت مخفی اداره می‌شد، فعالیت خود را رسما" آشکار نمود و در ماه آوریل ۱۹٤٥ قاضی محمد قاضی عضویت در آن را پذیرفت.

در اواخر سال ۱۹٤٥ به هنگام گردهمایی یک کنگره بزرگ از شخصیت‌ها و رؤسای قبایل· حزب دمکرات کردستان· تاسیس گردید؛ و اهداف آن توسط بیانه‌ای که به امضای قاضی محمد و پانصدتن از سران کرد رسیده بود انتشار یافت. هدف اصلی این سازمان تشکیل یک دولت کرد بود؛ لکن با امکانات محدود آن نمی‌توان بیش از اندازه توقع داشت. سپس ·مصطفی بارزانی· به ایران آمد و به این نهضت پیوست. افراد مسلح وی می‌بایستی هسته اصلی نیروی نظامی کرد را تشکیل دهندو خود او نیز با لقب ژنرالی به فرماندهی قوای نظامی منصوب گردید.

اعلام جمهوری دمکراتیک آذربایجان در شمال، تهیه و تدارک مقدمات حزب را تسریع بخشید و در تاریخ ۱٥ دسامبر، قاضی محمد رسما" استقلال منطقه را اعلام نمود و پرچم ملی کرد طی مراسمی با حضور رؤسای قبایل، اعضای جدید حزب دمکرات کردستان و جمعی از افرادی که از اطراف و اکناف آمده بودند برافراشته گردید؛ و در

---

(1)- Walter laqueur, communistn and nationalism in the miudle east, london,1957,P.228. cf page suivante: des extraits du Manifeste aupeuple kurde.

تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹٤٦ قاضی محمد به عنوان رییس جمهور خود مختار کرد انتخاب گردید و بلافاصله دولت تشکیل و فرامینی به منظور تنظیم مسایل مالی- اداری- قضایی دادگاهها و تدوین قوانین و تشکیل قشون و تقسیم اراضی صادر و درباره مسایل اجتماعی تصمیمات لازم اتخاذ گردید. کتابهای درسی به زبان کردی چاپ و یک ایستگاه رادیویی نیز افتتاح گردید. روزنامه‌ها و کتابهایی نیز به زبان کردی انتشار یافتند.

سرانجام قاضی محمد راهی تهران شد و تقاضای خود مختاری اداری برای تمام مناطق کردنشین ایران نمود و همچنین درخواست نمود که کارکنان اداری و قوای نظامی از اهل محل تامین شوند. لکن هنوز مذاکره با نمایندگان کرد خاتمه نیافته بود که دولت ایران قوای نظامی خود را بر علیه آذربایجان و جمهوری کردستان بسیج نمود؛ حکومت محلی مهاباد سعی کرد مقاومت نماید. به هنگام پخش خبر حوادث کردستان شمال تعداد زیادی از کردهای خارج از کادر جمهوری مهاباد از جمله روشنفکران، روزنامه نگاران، نمایندگان مجلس ایران، طی یادداشتی خطاب به دولت ایران خواهان تشکیل شورای عالی کردستان (مرکب از شش عضو سه نفر کرد و سه نفر غیر کرد) شدند.[1] در اوایل ماه ژوئن ۱۹٤٦ قاضی محمد شخصاً به خبر نگار A.F.P. اعلام نمود: «اگر دولت ایران حقیقتاً تصمیم به اجرای

---

[1] (۱)- یاداشت مزبور حاوی مطالب زیر بود: «مساله کرد فقط مورد علاقه افرادی که در پرتو تلاشهای خود توانسته موقعیتهای کسب کنند نیست بلکه مورد علاقه کردهای تمام مناطق ایران می‌باشد. و مساله کرد نمی‌تواند از طریق تصمیم یک جانبه دولت ایران حل شود. اقدام ما گواه صادق احساس وفاداری ما نسبت به ایران است. امیدواریم دولت ایران از این شرایطی که پیش آمده بتواند به نحو احسن استفاده کند(به یادداشت درباره موقعیت و خواسته‌های کردها پاریس ۱۹٤۸ مراجعه شود).

قوانین دمکراتیـک در سراسـر ایـران را دارد و قوانینـی را کـه در حـال حـاضر در مـورد آمـوزش ·زبـان کـردی در تمـام منـاطق کردنشـین و همچنیـن خـود مختـاری اداری و تـامین نـیروی نظـامی از محـل· در کردستان به اجرا درآمده به رسمیت بشناسـد؛ کردهـا نـیز قـانع خواهنـد بود· ، دولت تهران ایـن پیشـنهاد را نپذیرفـت و در نتیجـه در مـاه ژوئـن ۱۹٤٦ مجدداً مهاباد با حکومت آذربایجان متحد شد و در نوامبر همـان سال حکومت تهران به دموکراتهای آذربایجان حمله نمود. در پانزدهم دسامبر (فردای انتخابات عمومی) صـدر قـاضی بـرادر محمـد قـاضی و نماینده مجلس ایران که نقش میانجی بین برادرش و حکومت تهـران را داشت به میاندوآب آمد و به ژنرال همایون اطلاع داد که کردهـا آمـاده هستند به طور مسـالمت آمـیزی مـاموران دولتـی را بـه منظـور تضمیـن· آزادی انتخابات· آینده بپذیرند. در ایـن هنگـام بـه قـوای مـلا مصطفـی بارزانی دستور داده شد سریعاً مهاباد را تخلیه و خـاک ایـران را تـرک گویند[1] . دو روز بعد قلع و قمع شروع شـد بطوریکـه در ۱۷ سـپتامبر بـه توقیف قاضی محمد و اعضای دولت خود مختار جمهوری مهاباد منجر شد. معذلـک نـاظران خـارجی کـه بـه مهابـاد دعـوت شـده بودندتـایید می‌کنند که ·جمهوری مهاباد· به راه افتاده بود و شـهر مهابـاد کـه تـا آن

(۱)- در این هنگام است که حماسه خارق العاده ملا مصطفی و افرادش شروع می‌شـود و بـا چنـد هزار افراد مسلح مجدداً به عراق برگشتند و در آنجا نیروی چندین برابر نـیروی خـود منتظـر آنهـا بودند. ملا مصطفی در عراق به مرگ محکـوم شـده بـود. هنگامی کـه یـاران وی بـه مـرز رسیدند بلافاصله تعدادی از آنان به زندان رفته و برخی نیز اعدام شدند و ناگزیر بسوی ترکیه سرازیر شدند و در آنجا بوسیله نیروهای ترک تعقیب شدند. در همین حال تصمیـم گرفتنـد کـه مستقیم بسوی شمال بطرف قفقاز و مرزهای روسیه بروند. آنها پنجاه روز پیاده راه رفتند و سرانجام ملا مصطفی با پانصد تن از یاران خود موفق شد به روسیه برسد و در آنجا استقبال شایانی از وی بعمل آوردند.

ایام شهری بی‌رونق و غنوده بود، ناگهان به شهری زنده وسر شار از زندگی و فعالیت مبدل شد و کوششهای فراوانی به عمل آمدتا آنجا را بصورت پایگاه محکمی برای آموزش زبان کردی فراهم آورند.[1]

بلافاصله پس از سقوط جمهوری کوچک مهاباد، حکومت تهران، چاپخانه مهاباد را ویران و تمام کتابهایی را به زبان کردی چاپ شده بود آتش زده و آموزش زبان کردی نیز ممنوع گردید. سپس ایران به پیمان بغداد ملحق شد؛ بجز توافقی که روی اهداف کلی پیمان بعمل آمده بود هدف دیگر این پیمان را شرکت در هر مساله‌ای که عامل مؤثری بر علیه جنبش ملی کرد باشد تشکیل میداد. در حقیقت دولت ایران در یازدهم اکتبر ۱۹۵۹ تصمیم خود را دایر بر شرکت در این پیمان اعلام نمود، تصمیمی که حداقل یک هفته وقت لازم بود تا به تائید دو مجلس برسد.

اکنون ببینیم که انجمن دانشجویان کرد در اروپا موقعیت فعلی جامعه کرد ایران را چگونه توصیف میکنند؟[2] در کردستان ایران هیچ روزنامه و مدرسه‌ای به زبان کردی وجود ندارد و منطقه کاملاً در اشغال نظامی است و همه مطیع پلیس و قوای نظامی هستند. و قوم کرد از هر گونه آزادی بیان، حقوق ملی و فرهنگی خود محروم هستند. تنها روزنامه کردی که در تهران «بنام کردستان» به چاپ می‌رسد در مناطق کردنشین توزیع نمی‌شود و این روزنامه اساساً برای کردهای خارج از

---

(1)- Archie roosevelt jr the kurdish Republic of mahabad.in Middle East journal avrl 1947.

(2)- Appel du 8 Janvier 1960 a la commission des droits.

ایران یک برگ تبلیغاتی بیش نیست. برنامه‌های رادیویی به زبان کردی از لحاظ فرهنگی چندان جالب توجه نیستند و صرفا جنبه تبلیغاتی دارند.

ندای انجمن دانشجویان خواسته‌های کردهای ایران رابه این شرح بیان می‌دارد:

۱- آزادی تمام زندانیان سیاسی کرد.

۲- اجازه نشر و اشاعه هر چه بیشتر روزنامه کردستان.

۳- اجازه چاپ و نشر روزنامه‌های دیگر به زبان کردی نه تنها در تهران بلکه در روستاهای کردستان و تضمین عدم ایجاد هر گونه نگرانی بعدی برای خوانندگان آن.

٤- افتتاح مدارس به زبان کردی در تمام شهرهای کردستان.

٥- شناسایی زبان کردی به عنوان زبان رسمی در مناطق کردنشین.

٦- اعطای آزادی بیان و پذیرفتن قومیت کرد در کنار قومیت فارس با حقوق برابر در چارچوب ایران.

۷- عدم تفکیک مناطق کردستان از لحاظ اداری، از جمله مناطق شمالی کردستان که در حال حاضر تابع آذربایجان غربی هستند و از سایر مناطق کردنشین مجزا می‌باشند و همچنین مناطق لرستان و بختیاری.

سرانجام، هنگام از سرگیری جنگ میان نیروهای عراق و چریکهای کرد، دولت ایران سیاست انعطاف پذیری بیشتری را در

مقابل مساله کرد اتخاذ نمود و همین سیاست سبب گردید که کردهای ایران در شورش هممیهنانشان علیه عراق با پناه دادن دهها هزار زن و بچه آنان که از ترس بمباران هوایی عراقیها فرار کرده بودند فعالانه شرکت جویند.

فصل ششم

مساله کرد در روسیه و سوریه

نقش کردها صرفاً از لحاظ فرهنگی در کشورهای روسیه و سوریه بسیار شایان توجه است معذلک وجود جماعتی کرد در روسیه و در قسمتی از کردستان واقع در سوریه نقش ویژه‌ای به دولت‌های مذکور در مساله کرد داده است؛ اخیراپ یعنی بعد از آخرین کودتای مارس ۱۹٦۳ سوریه و از سر گیری جنگ دهم ژوئن ۱۹٦۳ عراق دولتهای روسیه و سوریه در مساله کرد نقش مخالفی را ایفا نمودند.

مساله کرد در روسیه:

در حدود یکصدوشصت هزار کرد در ارمنستان و و آذربایجان شوروی زندگی می‌کنند این جامعه از لحاظ حقوق سیاسی و فردی با سایر اقلیت‌های ملی برابر و از حقوق مساوی برخوردارند. دولت روسیه تلاش وسیع و گسترده‌ای را به منظور توسعه زبان و فرهنگ کرد انجام داده است. بهمین جهت کردهای روسیه حقیقتاً در توسعه نهضت ملی کرد فعالانه شرکت دارند.[1]

---

[1] (۱)- ولادمیر مینورسکی در بیستمین کنگره ملی شرق شناسی بروکسل در ۱۹۳۸ عنوان می‌کند که زبان کردی که وحدت عظیمی را در خصوصیات قومی و فرهنگی خود نشان می‌دهد به گروه شمال غربی زبانهای ایرانی متعلق است. معذلک وجود عناصر ناهمگن در لهجه‌های جدید می‌توانسته است وحدت خصوصیات قومی و فرهنگی آنان را نابود سازد؛ لذا اگر مؤلف درباره پاراگراف دوم همین صفحه از برابری حقوق سیاسی کردهای روسیه با سایر اقلیت‌های ملی صحبت می‌کند بهیچ وجه نمی‌توان آنرا با وضعیت کردها ی ایران مقایسه نمود. زیرا نظام روسیه ، (شوروی سابق) از مجموعه‌ای از اقلیت‌های قومی مختلف، نظیر کرد و ترک و تاجیک و ارمنی و غیره تشکیل شده بود که هیچگونه وجه مشترک قومی و زبانی با یکدیگر نداشته اند.

با وجود این کردهای روسیه اخیراً در برابر جنگ عراق با کردها موضع گیری نموده و گواه این مدعا اعتراضنامه مورخ ۱۵ ژئون ۱۹۶۳ روشنفکران است که خواهان پایان بخشیدن به حملات نظامی در کردستان عراق است و اضافه می کنند «در عصری که هر انسان آزاده‌ای بخاطر سعادت و خوشبختی انسانها می‌جنگد، دشوار است که بپذیریم نهضت کردها توسط مشتی ارتجاعی و ناآگاه که بویی از انسانیت نبرده اند در نطفه خفه شود».

وانگهی اتحاد جماهیر شوروی به همان اندازه که موافق خودمختاری فرهنگی و اداری هریک از مناطق کرد نشین ترکیه، ایران و عراق است به همان اندازه موافق تشکیل یک کردستان متحد می‌باشد؛ معذلک فقط در مرحله دوم جنگ نظامی ژوئن ۱۹۶۳ عراق است که روسیه برای اولین بار رسماً از کردها حمایتمی کند. روسها با تمام دوستی و رابطه منطقی که با مردم عراق دارند حمایت کامل خود را در جنگ بحقی که کردها به منظور کسب حقوق ملی خود آغاز نموده اند اعلام می‌دارد. به خاطر توسل به روشهای ترور و خشونت، دولت عراق مسوولیت سنگین نتایج عملیاتی را که منجر به جاری شدن خون از عربها و کردها گردیده بعهده دارد».

اعلامیه آژانس خبر تاس در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۳ که مطالب فوق از آن استخراج گردیده است مطالب پر طمطراق زیرین را نیز در بر دارد: «روسیه نمی‌تواند نسبت به آنچه که امروز در عراق می گذرد بی‌تفاوت باشد زیرا سیاست فعلی دولت عراق در برابر کردها، مذاکرات نیم بند

صلح را در خاورمیانه به مخاطره خواهد انداخت.

سوریه

کشور جمهوری سوریه، بیش از حد تصور گروههای اقلیت را در خود پناه داده است و در حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر کرد در قسمت شمال کشور و در جنوب کوهپایه‌های کردستان ساکن هستند و در خلال دو جنگ تعداد زیادی از کردهای ترکیه و عراق به کردهای سوریه اضافه شده و علاوه بر آن محلات کردنشین مهم در دمشق، حما و حلب وجود دارد.

حرکتهای ملی کردها در فرانسه با استقبال شایانی روبرو گردید و در نتیجه کردهای سوریه توانستند آزادانه به زبان کردی تکلم نمایند. اگر چه هیچگاه در آموزشهای رسمی از آن استفاده نشد و آنان همچنان در زندگی سیاسی سوریه شرکت نمودند.

ژنرال فوزی سلو که خود از اکراد بود به ریاست دولت رژیم دیکتاتوری نظامی انتخاب گردید و حسنی بگ برازی به عنوان رییس مجلس شورا انتخاب شد. دو تن از دیکتاتورهای نظامی، مارشال حسنی زعیم و ژنرال ادیب شیشکیلی و رهبر بعثی اکرام حورانی دورگه بوده اند. در سال ۱۹۵٤ خالد بگداش یکی از کردهای کمونیست محله کردنشین دمشق بعنوان نماینده پارلمان انتخاب گردید. مع الوصف مقامات سوری تحت رژیم جمهوری عربی متحده، از حوادث عراق بسیار نگران گردیده و سعی بر آن نمودند از هر گونه تجمع سیاسی کردها جلوگیری نمایند؛ همچنین در آغاز سال ۱۹٦۰ خبر دستگیری

تعداد زیادی از ناسیونالیستهای کرد و محکومیت ۳۲ نفر از آنها به مجازاتهای مختلف پخش گردید. اتهام آنها این بود که می‌خواستند در کشور عربی متحده یک دولت کرد تشکیل دهند. در ژوئیه ۱۹٦۱ مطبوعات لبنان خبر دستگیری نوری علی مسوول حزب دموکرات کرد در بیروت را انتشار دادند. بهمین طریق دستگیریها و محکومیتها روز بروز افزایش می‌یافت. روزنامه‌ها با تیتر درشت در صفحه اول اعلام کردند، «خطر کرد»، «اسرائیل دوم»، «نفوذ کرد «سرحدات سوریه را در منطقه نفتی «جزیره» تهدید می‌کند.

شورای وزیران به ریاست م . بشیر الزمه «M.Bechir el Azmeh» رییس جمهور، تشکیل و در اوایل ژانویه ۱۹٦۳ تصمیم گرفت بر علیه کردهایی که از اصلاحات ارضی بهره مند نشده بودند سیاست استثنایی اتخاذ نماید.

کودتای هشتم مارس ۱۹٦۳ در سوریه همان حزبی را به قدرت رساند که یکماه قبل در عراق قدرت را بدست گرفته بود. دودولت عراق و سوریه از همان آغاز درباره مسایل کرد سیاست مشترکی را اتخاذ نمودند؛ اما طولی نکشید که ماه عسل آنها در دهم ژوئن به خصومت گرائید علی الخصوص برخی کمکهای نظامی که در جنگ بر علیه کردها به عراق می‌شد، چنانچه مشکلات داخلی نیروهای نظامی سوریه را فلج نمیکرد می‌توانست نقش بسیلر مهمی را ایفا کند. در حال حاضر منظور از کمک نظامی کمک نیروی هوائی است. و روزنامه لوموند«LeMonde» در چهاردهم ماه ژوئیه ۱۹٦۳ خبری را از منابع کرد

منتشر می‌کند و اعلام می‌دارد که نیروهای کرد یک هواپیمای سوریه را در ناحیه‌ٔ بامرنی Bamerni ۱۰ از ولایت موصل سرنگون کردند. محتمل است که به همان اندازه که همکاری دو دولت عراق و سوریه تحکیم می‌یافت، شرکت سوریها در جنگ بر علیه کردها نیز افزایش یابد.

فصل هفتم
مساله کرد در عراق

کردهای عراق خواهان اجرای مفاد عهدنامه «سور» بودند و در ماه سپتامبر ۱۹۲۲ شیخ محمود البرزنجی مجدداً اجازه یافت تا به سلیمانیه که قبلا از آنجا تبعید شده بود برگردد و در اکتبر همان سال شیخ محمود خود را حکمران کردستان اعلام نمود. و تمبرهای پستی و مالیاتی با علامت دو خنجر بصورت ضربدر چاپ کردند و روزنامه Roje Kurdistan «خورشید کردستان» انتشار یافت که بعداً روزنامه «Bange Hey» «ندای عدالت» جایگزین آن شد. این استقلال مدت زیادی بطول نیانجامید زیرا پس از توافق‌هایی که میان محمود پاشا و انگلیسها صورت گرفت، نیروهای انگلیسی در سوم مارس ۱۹۲۳ سلیمانیه را بمباران و شیخ محمود ناگزیر به ایران گریخت. بار دیگر شیخ محمود به سلیمانیه برگشت و قصد داشت منطقه قلمرو خود را توسعه بخشد تا اینکه حملات جدید (۱٦ اوت تا ۲۵ دسامبر ۱۹۲۳ و ۲٤ می ۱۹۲٤) وی را مجبور به فرار نمود و به پینجوین پناهنده شدند که تمام تصمیمات عهدنامه سور که ظاهراً بنفع آنان تمام می‌شد جز یک کاغذ پاره بی‌اثر چیزی بیش نیست و با وجود تضمین‌های دولت عراق و

انگلیس آنها نتوانستند به حقوق حقه خود دست یابند اگر چه اعلامیه‌های رسمی مطابق با خواسته‌های آنان در عراق انتشار یافت.[1]

مساله ولایت موصل به سازمان ملل واگذار شد. این سازمان در سی و هفتمین اجلاسیه خود در ١٦ دسامبر ١٩٢٥ تصمیم گرفت که این ولایت را به عراق ملحق و تمامی کشور بمدت ٢٥ سال تحت نظارت انگلیس باقی بماند. سازمان ملل در تصمیم خود اضافه می کند که خواست کردها دایر بر تعیین کارکنان ادارات منطقه از میان کردها و امور قضا و آموزش در مدارس و همچنین برسمیت شناختن زبان کردی را مد نظر قرار دهد. موقعیت کردها که در عراق تحت تاثیر سیاست گام به گام دولت انگلیس قرار داشت بدین علت بود که هنگام رفراندوم درباره نامزدی امیر فیصل (شاهزاده خانواده هاشمی عربی سعودی) بر تخت سلطنتی عراق توده‌های عظیمی از کردهای منطقه سلیمانیه و کرکوک به او رای منفی دادند. ناراضایی قوم کرد از دولت عراق در سال ١٩٢٩ آشکار گردید بخصوص هنگامیکه شش نماینده کرد عرض حالی به دولت بغداد ارسال و تقاضای تشکیل یک واحد اداری برای تمام مناطق کردنشین نمودند. پاسخ منفی نخست وزیر عراق و اخطار نماینده انگلیس که متضمن راه حل اساسی برای مساله کرد نبود شورشهای مهمی را در منطقه برانگیخت. این شورشها از سال

---

(١)- بعنوان مثال در یک اعلامیه رسمی که در بغداد انتشار یافت چنین بیان می‌دارد: «دولتهای انگلیس و عراق حقوق کردهای ساکن عراق را بمنظور برقراری یک دولت کرد در مرزهای خود برسمیت می‌شناسد.»

۱۹۳۰ تا سال ۱۹۳۳ برهبری بلافصل شیخ محمود برزنجی، شیخ احمد و ملا مصطفی بارزانی و شیخ شباه از قبیله سورچی ادامه یافت و در سال ۱۹۳۱ ده تن از شخصیت‌های برجسته سلیمانیه از جامعه ملل درخواست کردند تا از تشکیل یک دولت کرد مجزا از عراق حمایت کند. پاسخ سازمان ملل در این باره منفی بودو بلافاصله نیروی نظامی عراق در بحبوحه زمستان، منطقه بارزان را مورد حمله قرار داد. گرچه عراق در این حمله شکست خورد لکن بوسیله مزدوران آسوری و نیروی هوایی سلطنتی انگلیس دهکده‌های بارزان را بمباران نمود.افراد قبیله سعی نمودند با فرار به سرحدات ترکیه خود را از بمباران رهائی بخشند ودر آنجا بخاطر جنایات مربوط به هیجده سال قبل هنگامی که ولایت موصل جزو ترکیه بوده آنها را بدون انجام هیچگونه تشریفات قانونی از طریق محاکمات تشریفاتی بدار آویختند.

آنگاه دولت عراق بر تعهدات خود دایر بر اشاعه و توسعه زبان کردی و همچنین انتخاب کارکنان اداری کرد برای منطقه عمل نکرد و تبعیضات کاملی بنفع اعراب حکم فرما بود در نتیجه مناطق کردنشین از لحاظ اقتصادی همواره در جا میزد و هیچگونه سرو سامانی نیافت. بی‌توجهی کردها سبب گردیده بود که یک سیاست سیستماتیک مشخص آنها را در حالت مادونی قرار دهد. سالهای ۱۹۳٤ تا ۱۹۳۹ دوره آرامی بحساب می‌آمد و میتوان آنرا با سالهای ۱۹۳۰- ۱۹۲۰ مقایسه نمود. در خلال این دوره چنین بنظر می‌رسد که کردهای عراق بدون هماهنگ کردن فعالیتهای خود با هم میهنانشان در دولت همسایه

خود را به پیگیری جنگ با ترکیه قانع می‌کردند. و در این هنگام است که دولت عراق با ترکیه، ایران وافغانستان پیمان سعدآباد را منعقد نمودند.

فردای جنگ دوم جهانی، محور تلاشهای وسیعی برای جلب حمایت کردها و عربها بشمار می‌رود. در حالی‌که رشید عالی الکیلانی کودتای خود محوری خود را انجام می‌داد شیخ محمود از زندان بغداد گریخت و وفاداری کردها را به متفقین اعلام نمود و آنگاه انگلیسها بر تعداد کارکنان کرد در کردستان عراق افزودند. اما برگشت نایب-السلطنه که یکی از یاران انگلیسها بود به این جنبش پایان بخشید و در سال ۱۹۴۳ شیخ لطیف برزنجی پسر شیخ محمود ناچار شد که به ایران پناهنده شده و در آنجا با استقبال شایانی از طرف روسها روبرو شد. وی در منطقه لاهیجان استقرار یافت و یک نشریه ماهانه بنام ·Nichteman· ·میهن· را در چهل صفحه منتشر نمود. اما در مورد ملا مصطفی برادر شیخ احمد بارزانی که در آن ایام در سلیمانیه تحت نظر بود، موفق شد نه تنها خود را از پلیس مخفی نماید بلکه تعداد زیادی از آنان را نابود کند. شرایط منطقه شمالی عراق درفردای جنگ دوم جهانی بسیار ناجور بود زیرا مایحتاج عمومی به دشواری بدست می‌آمد و دولت فقط توانسته بود مقداری قندو شکر در میان مردم توزیع نماید. لکن آنچه که شرایط را بحرانی می‌نمود، دستگیری تعدادی از کادرهای کرد بود که به کار اجباری محکوم شده بودند و ملا مصطفی نیز در بارزان علم طغیان برافراشت و نیروهای نظامی عراق موفق به خاتمه

جنگ شدند؛ لذا دولت عراق کنفرانس آشتی را پیشنهاد نمود. مواد پیشنهادی ناسیونالیستهای کرد عبارت بود از:

۱- آزادی تمام زندانیان سیاسی

۲- کردها باید تمام نیروهای خود و همچنین سلاحهائی را که از ارتش عراق به غنیمت گرفته اند حفظ نمایند.

۳- آذوقه باید بطور منصفانه در کردستان عراق تقسیم شود.

٤- کارکنان کرد باید جایگزین کارکنان عرب در منطقه کردنشین شوند.

٥- کردها باید از خود مختاری فرهنگی و آزادی تعلیمات برخوردار باشند. و مدارس و بیمارستانها در منطقه ایجاد گردد.

رژیم عراق با استفاده از بهبود اوضاع در منطقه تعهدات خود را زیر پا نهاد و پارلمان عراق نیز شرایط پیشنهادی کردها را رد نمود و چندین افسر کرد زندانی و تعداد زیادی از آنها نیز از ارتش اخراج شدند و تمامی مدارس و بیمارستانهای کرد به قرارگاههای نظامی تبدیل گردید. پس از این همه خیانت نهضت کردها مجدداً شروع گردید و میتوان آنرا بعنوان یکی از مهمترین شورشهای کرد قلمداد نمود. نیروی نظامی و هوایی عراق به ۳۰۰۰ سرباز و ۱۲۰۰۰ پلیس و ۲٥ هواپیمای شکاری و بمب افکن مجهز گردید. از طرف دیگر ملا مصطفی هم موفق گردید ٤ تا ٥ هزار افراد مسلح که در میان آنان افسران اخراجی و روشنفکران دیده میشدند بسیج نماید. در هفتم ماه اوت ۱۹٤٥ قوای نظامی عراق حملات انتقامجویانه خود را از ناحیه «رواندوز» در پنجاه

کیلومتری بارزان شروع کردند. در این واقعه درگیریهای خونینی صورت گرفت. ملا مصطفی ناگزیر به نیروهای خود دستور داد تا کوهستان را ترک نموده و بطرف «اربیل» بروند. در بیست کیلومتری شهر بود که نیروی هوایی سلطنتی انگلستان به کمک نیروهای عراق آمد. در واقع هدف آنها محافظت از چاه‌های نفت بود که بدست کردها افتاده بود. نیروی هوایی انگلیس پنج دهکده را کلاً با خاک یکسان نمودند و بارزان و پنجاه دهکده دیگر خسارتهای فراوانی دیدند. سپس ملا مصطفی تصمیم گرفت بسوی ایران سرازیر شود.[1]

در ژوئیه ۱۹٤۷ مقامات عراقی چندین نفر از یاران قدیمی ملامصطفی را اعدام نمودند و در اکتبر همان سال نیروهای کرد به سرکردگی محمد خالد نوه ملا مصطفی جنگ را مدت دیگری ادامه دادند.

در ۲٤ فوریه ۱۹٥٥ دولتهای عراق و ترکیه پیمان بغداد را امضاء کردند. این عهدنامه پایه یک قرارداد نظامی منطقه‌ای

---

(۱)- ملا مصطفی و نیروهایش که در کوهستان سنگر گرفته بودند می‌توانستند بر علیه حملات عراقیها و انگلیسیها مقاومت کنند. لکن در این هنگام حرکت آزادی بخش کردهای ایران به سرکردگی قاضی محمد در مهاباد شروع شده بود. ملا مصطفی عقیده داشت با همکاری نیروهای خود بتواند نیروی نظامی مهمی برای این جنبش تهیه نماید و به تحکیم این دولت جوان کمک کند. این مسئله بنفع تمامی کردها خواهد بود. بهمین جهت به ایران خواهد آمد و نیروهای خود را در اختیار جمهوری مهاباد قرار داد.

(سازمان خاورمیانه‌ای M.E.T.O) گردید در چهارم آوریل بعد از اینکه انگلیس به این پیمان ملحق شد. پاکستان در سی‌ام ژوئن و در اکتبر همان سال ایران نیز به این پیمان ملحق شدند.

مسلماً هدف این پیمان تشکیل ·گام شمال· ·Northern Tier بر علیه اتحاد شوروی و ایجاد یک نیروی نظامی بمنظور الحاق ·O.T.A.N و·O.T.A.S.E· بود. لکن انگیزه این پیمان در آنچه که مربوط به ترکیه، ایران و عراق می‌شود همان چیزی است که کشورهای متفق پیمان سعدآباد را بهم متحد نموده بود و آن همان مساله کرد است.

یکی از اولین نتایج پیمان بغداد اقدام مشترك ایران و عراق در اوایل سال ۱۹۵٦ بر علیه قبیله کرد جوانرود بود و دلایل آن درهنگامی که عراق بعد از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ به نشانه دوستی عرب و ترك از پیمان بغداد جدا شد در کنتاریو ·Contario · مشخص میگردد.

فصــــل هشتــــم
حـــــوادث اخیـــر عراق

بعد از جنگ دوم جهانی، با وجود جست و خیزهای ناگهانی که بدنبال آن حوادثی بوقوع پیوست برای مناطق مورد نظر (ترکیه، عـراق، ایران) دوره آرامی بشمار میرود و امواج عظیمی که قاره آسیا و آفریقـا را بکلی دگرگون نمود این منطقه را کمتر تحت تاثیر قرار داد؛ لکـن از سال ۱۹۵۸ به بعد دوره آرامش نسبی بپایان رسید. انقلاب در کشورهای عراق، ترکیه و سوریه به تغییـر رژیم‌هـای حـاکم انجـامید. و متخصـص برجسته خاورمیانه ژنرال 'پیر روند' و مساله کرد را بعنـوان کلیـد مسـائل خاورمیانه توصیف می‌کند.

در ژوئـن ۱۹۵۸ دولـت جمهـوری متحــده عربـی برنامــه‌های رادیویی بـه زبـان کـردی تشـکیل داد کـه ابتـدا در تهـران سـروصدای زیادی بپا کرد. وانگهی بدنبال این برنامـه‌ها و بمنظـور توسـعه بعضـی از مناطق کرد نشین دولت ایران تصمیمات مقتضی اتخاذ نمـود. سپس در عـراق بخصـوص در منـاطق کردنشـین مـردم بـا توجـه خـاصی بـه ایـن برنامه‌ها گوش فرامی‌دادند و در آنکارا محل برگـزاری جلسـات پیمـان بغداد نیز از شورش قبـایل کـرد بسـیار وحشـت داشـتند لکـن در عـراق مساله کرد سریعتر از همه جا متبلور شده و بصورت یک مسـاله اساسـی مطرح می‌گـردد؛ و انقـلاب پـیروزمند عـراق نویـد تحقـق خواسـته‌های کردها را به آنان می‌داد لکن دو گروهی که به قدرت رسیدند در حیـن مراجعه به تعهدات خود در قبال کردها، سعی بر تصفیـه ناسیونالیسـتهای

کرد داشتند. کردها ناگزیر سلاح برداشته و هیچگاه آنرا از خود جدا نکردند.

جریان حوادث پی‌درپی رژیم ژنرال قاسم و رژیمهای جانشین وی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

رژیم ژنرال قاسم

ژنرال عبدالکریم قاسم در ۱٤ ژوئیه ۱۹۵۸ با یک کودتای نظامی به قدرت رسید و وحدت کرد و عرب ر در انقلاب و در جمهوری جوان عراق اعلام نمود. و در تاریخ ۲۷ ژوئیه قانون اساسی موقتی را جایگزین قانون اساسی سال ۱۹۲٤ نمود. فصل اول ماده ۳ قانون اساسی به صراحت اعلام می‌دارد: جامعه عراق بر همکاری جمعی تمامی شهروندان و احترام به حقوق و آزادی آنان مبتنی است. عرب و کرد با هم متحد و قانون اساسی حقوق ملی آنها را در چهارچوب کشور تضمین خواهد کرد.

در دولت جدید تعداد زیادی از کردها شرکت داشتند. بابا علی فرزند شیخ محمود معروف سلیمانیه بعنوان وزیر راه و ترابری و خالد نقشبندی از طایفه شیوخ دوهک بعنوان عضو شورای انقلاب انتخاب شدند.

لازم به یادآوری است که عبدالکریم قاسم از طریق خانواده مادری به کردها وابسته بود و در بیستم ژوئیه تعداد زیادی ناسیونالیستهای کرد را از زندان آزاد نمود و در میان زندانیان شاعر بزرگ "گوران" و شیخ احمد بارزانی (۸۰ ساله) برادر بزرگ ملا

مصطفی قرار داشت. آزادی آنها با استقبال شایان کردهای موافق رژیم روبرو شد.

ملا مصطفی بارزانی رهبر قدیمی کردها که بیش از ده سال در شوروی پناهنده بود اجازه یافت تا به عراق برگردد و رژیم جدید خانه‌ای ویلایی را در بغداد در اختیار وی قرار داد. مطبوعات کرد از چنان آزادی بیانی برخوردار گردید که تا آنوقت بی‌سابقه بود. نویسندگان و خبرنگاران پیروزی٠ جمهوری کرد و عرب٠ را جشن گرفتند.

حزب دموکرات کردستان عراق ٠P.D.K.I برنامه سیاسی خود را در اولین شماره اورگان خود بنام ٠خبات٠٠ Xebat با تاکید بر اینکه حبات٠ از جمهوری آزاد عراق دفاع خواهد کرد و برای تحقق اهداف انقلاب ١٤ ژوئیه در جهت حفظ منافع ملت تلاش خواهد نمود منتشر کرد.[1]

روزنامه یومیه جناح چپ افراطی بنام ٠اتحادیه چپ٠ Ittehadach Chaap به تاریخ هفتم ماه می اظهارات حزب دموکراتیک کردستان را بطور گسترده‌ای به چاپ رسانده که تایید می‌کند ٠حزب ما با در نظر گرفتن واقعیات انقلاب و انتظاراتی که از دولت دموکراتیک مان به رهبری عبدالکریم قاسم در زمینه حقوق ملی و تحکیم وحدت میان دو گروه قومی متفق که برای اجرای اهداف دموکراتیک و استواری جمهوری

---

(١)- به ملحقات (ب) چکیده‌ای از برنامه حزب دموکراتیک کردستان عراق مراجعه شود.

و شکوفای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دست به دست هم داده اند در چارچوب کردستان عراق تلاش خواهد کرد.[1]

و حزب دموکراتیک متحد کرد در هر موقعیتی حمایت مجدد خود را از قاسم اعلام میکنند.

روزنامه خبات Xebat در ششم ماه می ۱۹۶۰ متن کامل نطقهای ابراهیم احمد دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک کردستان در کنگره حزب را به چاپ رسانده و اعلام می کند حزب ما در آغاز انقلاب، رهبری عبدالکریم قاسم را پذیرفته و با تمام توان از او حمایت می کند و این امر نه فقط بدان جهت که این رهبر به ملت عراق اجازه داده

---

[1] (۱)- در فوریه ۱۹۵۹ عبدالکریم قاسم تصمیم به اصلاح کابینه نمود و جمعی از وزرای جناح راست محافظه کار را اخراج و در همان ایام سرهنگ عارف بخاطر توطئه بر علیه قاسم محاکمه و از طریق دادگاه نظامی ویژه بمرگ محکوم شده بود. کودتای وسیله طرفداران عارف و برخی از ملاکین که از انجام اصلاحات ارضی دولت ناراضی بودند در شرف تکوین بود. جمال عبدالناصر از این کودتا حمایت میکرد. عاملان توطنه قصد داشتند که کودتای خود را در موصل، شهری که بورژا زی محافظه کار و ملاکین چون شیخ الحکی و احمد ال اجیل را در خود پناه داده بود به اجرا در آوردند .جریان موصل. در هفتم ماه می ۱۹۵۹ بوقوع پیوست، شکنجه ای که کمونیست‌های عراق در آن نقش عمده‌ای داشتند بسیار از آن سبوعانه تر انتقامی است که که هنگام بقدرت رسیدن عارف در فوریه ۱۹۶۳ مشاهده میگردد.

بدون قربانی زیاد به اهداف آزادی ملـی خـود نـائل گردنـد بلکـه ملـت عراق (عرب، کرد و اقلیت‌های ملی) را از بیعدالتی‌های رژیم ارتجاعی و امپریالیسم نجات بخشید و همچنین نه بخاطر اینکه این رهبر معتقد بـه وحدت عراق در همکاری بیـن کـرد و عـرب و اقلیتهـای ملـی برابـر از لحاظ حقوق و تکالیف آن میباشد بلکه به این جهت است که این رهبر معتقد به حفظ عراق بعنوان یک الگـو بـرای جنبش‌هـای رهـایی بخـش ملی در کشـورهای همسـایه اسـت.[1] لکـن عبدالکریـم بمحـض تحکیـم بخشیدن به قدرت خـود، تدریجـا" آزادیهـای دموکراتیـک و امتیـازات اعطای کردها را لغو نمود.

حزب دموکراتیـک کردسـتان عـراق در هشـتم ژوئـن ۱۹۶۱ بـه استناد ماده ۳ قانون اساسی موقت ژوئیه ۱۹۵۸ خواسته‌های کردها بشرح زیر مطرح می‌کند:

- ایجاد مدارس ابتدایی در کردستان عراق.
- تاسیس دبیرستان با آموزش زبان کردی.
- تاسیس دانشکده در کرکوک.
- تعیین و انتخاب فرماندار کرد در کردستان عراق.
- تاسیس یک ایستگاه رادیویی به زبان کردی در سلیمانیه.
- تاسیس یک آکادمی برای مطالعات کردشناسی.

---

(1)- Article traduit dans Articles Douments Publie par La Documtation Francaise bu 30 Juin 1960.

- تاسیس اداره کل آموزش در کردستان با همان عنـوان کـه در حال حاضر در مناطق عرب نشین وجود دارد.

- احداث جاده به منظور رساندن محصولات کشاورزی کردهـا بـه تمـام منـاطق عـراق (جاده‌هـای عـراق در حـال حـاضر جـاده هــای استراتژیکی هستند).

نه تنها هیچگونه پاسخ مثبتی به این خواسته‌ها داده نشد، بلکه بـر عکـس سیاسـت اختنـاق آمـیز دولـت روز بـروز توسـعه می‌یـافت و در نتیجـه ۵ روزنامــه یومیــه در بغــداد (خبــات · Xebat · صــدا· Dang· کــرد · Kurd· آزادی ·Azadi· و کردستان) ممنوع الانتشـار گردید و روزنامـه - نگاران دسـتگیر و حـزب دموکراتیـک کردسـتان منحـل و چنـد تـن از اعضاء برجسته و سران آن نیز دستگیر گردیدند و در همان حـال دولـت بغداد قبیله زیبـاری ·Zibari· (رقیـب طایفـه بـارزانی) را مسـلح و آتـش سوزی روستاها افزایش یافت، در ۱۵ ژوئیه ۱۹۶۱ مـلا مصطفـی بـا ایـل زیباری که از سرازیر شدن آنها به سرحدات ترکیه ممـانعت می‌کردنـد به مقابله پرداختند.

رهبر کردهـا بـه کـرات اعـلام داشـت کـه خواسـتار تجزیـه و اسـتقلال کردستان نمی‌باشد بلکـه صرفـاً خواهـان خـود مختـاری در چـارچوب دولت دموکراتیـک· عـراق اسـت. موضـع گـیری وی حمـایت حـزب کمونیسـت عـراق را بدنبـال داشـت کـه در ۲۲ مــاه اوت ۱۹۶۱ اعــلام می‌دارد: · برای اینکه ملت عـراق بتوانـد آزادانـه بـر سرنوشـت خویـش حاکم باشد لازم اســت کـه ملـت کـرد از حقـوق ملـی و قـانونی خـود

برخوردار شوند[1]. و کمیته مرکزی این حزب در مارس ۱۹۶۲ اعلام می‌دارد: در شرایط فعلی تنها راه حل مساله کرد دادن خود مختاری به کردها در چهارچوب جمهوری عراق است[2].

کردها اظهارات حزب کمونیست عراق را در رابطه با حل مساله کرد کافی نمی‌دانند و معتقد بودند که این اظهارات صرفاً جنبه تئوری دارد. بعلاوه تخمین حزب کمونیست این بود که اهداف ملی کردهای عراق از طریق جنگ در کوهستانها بدست نمی‌آید، بلکه این اهداف از راه تجمع مسالمت آمیز و مردمی که بر اساس وحدت مشترک کرد و عرب در جهت برقراری صلح در منطقه پایه گذاری شده باشد بدست خواهد آمد.[3]

برخورد نیروی نظامی
از سپتامبر ۱۹۶۱ تا هشتم فوریه ۱۹۶۳

در یازدهم سپتامبر ۱۹۶۱ ژنرال قاسم دو لشکر به مناطق شمال کشور گسیل و دهکده‌ها را بمباران نمود. تلفات این حمله در حدود هزار قربانی بود و در نوامبر همان سال به دو برابر افزایش یافت منابع دولتی گزارش می‌دهند که در بمبارانهای فوریه ۱۹۶۱

(1)- Saadi Ail, in Nouvelle Revue int.
(2)- Ali Jabber, in Nouvelle Revue interationale N° 8, aout 1962.
(3)- Tract date du 8 juillet 1962. Cite par Le Cipo du 10 Janvier 1963.

شصت دهکده ها[1] ویران و هزاران نفر دستگیر گردیدند. طغیان کردها بر علیه دولت عراق بسرعت گسترش یافت و روستائیان و روشنفکران و سربازان کرد ارتش عراق در مقابل دولت صف آرایی کردند. در بهار سال ۱۹٦۲ نیروی ژنرال قاسم طعم اولین شکست بزرگ خود را چشید. علت این شکست اساساً این بود که ارتش عراق آمادگی جنگهای چریکی در کوهستانهای صعب العبور را نداشت؛ در حالیکه کردها از سرزمین خود از حقوقشان دفاع می‌کردند. پس از این واقعه نیروهای ملا مصطفی پیروزمندانه به پیشروی خود ادامه دادند و تمام مناطق شرق احمدیه رواندوز تا مرز ترکیه و ایران یعنی منطقه رانیه ·Renieh· در شمال زاب کوچک و بزرگ و شمال رودخانه دیالـه و کوه سنجر را تحت کنترل خود در آوردند. شهرها و بخشهای متعددی بوسیله نیروهای ملا مصطفی محاصره شده و برای جلوگیری از بمباران هوایی، مردم بی‌دفاع از اشغال آنها خود داری می‌نمودند. وانگهی نیروهای عراقی که در این شهرها مستقر بودند در پادگانهای خود به محاصره در آمدند در حالیکه چریکهای کرد آزادانه در شهر می‌گشتند، ملامصطفی در اعلامیه مورخ ۲٤ ماه می ۱۹٦۲ اعلام می‌دارد که پیشنهاد ژنرال قاسم دایر بر اعلام آتش بس و عفو عمومی مردود است و اضافه می‌نماید: ژنرال قاسم تنها مسئول واقعی این جنگ و است که باید جنگ را متوقف کند.

(۱)- بر اساس گزارش ملی گرایان کرد ۵۱۹ دهکده ویران گشت و لیست قربانیهای این جنگ از هزاران زن و کودک و افراد مسن تجاوز می‌نمود.

لکن کردها همراه با نیروهای مسلحشان آتش بس را با شرایط زیر خواهند پذیرفت :

- برقراری یک رژیم دموکراتیک مورد تائید تمامی ملت عراق بجای استبداد فردی.

- به رسمیت شناختن خود مختاری ملت کرد با تضمین حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب جمهوری عراق.[1]

پیروزی کردها تدریجاً رژیم قاسم را تضعیف می‌نمود. وانگهی کردها متقاعد شده بودند، تا زمانیکه ژنرال قاسم بر مسند قدرت باشد حل اختلافات فی مابین غیر ممکن است. به این جهت است که با مخالفان رژیم ارتباط برقرار می‌کنند و از فوریه ۱۹٦۲ با مخالفانی که قصد بر اندازی رژیم قاسم را داشتند همکاری نمودند. لکن آنها از کردها خواستند تا در خلال و شورش آینده بیطرفی خود را حفظ کنند و سران کرد شرایط پیشنهادی‌خودرابه‌این‌شرح اعلام داشتند:به‌رسمیت شناختن حقوق خود مختاری و حضور نمایندگان کرد در دولت.

مخالفان در ماه اوت ۱۹٦۲ پیشنهادات کردها را پذیرفتند و در روز کودتا (۸ فوریه ۱۹٦۳) کردها اعلام آتش بست نمودند.[2]

---

(1)- CF. Le Monde du 3-4 Juin 1962.

(۲)- در گزارش خبری اریک رول Eric Rouleau که در شماره‌های ۱۰- ۱۱ -۱۳- ١٤- ١٥- آوریل روزنامه لوموند به چاپ رسیده جزئیات بیشتری قید گردیده مخصوصاً در مقاله ١٦ آوریل ۱۹٦۳ .

دوره ترک مخاصمه
(از نهم فوریه ۱۹٦۳ تا دهم ژوئن ۱۹٦۳)

از متارکه جنگ با تواقفهای قبلی دایر بر با به رسمیت شناختن حقوق خود مختاری کردها نتیجه‌ای حاصل نشد. قسمت اعظم سران جدید مخصوصا" حزب بعث که از اکثریت برخوردار بودند قویا" از امضای تعهدات اکراه داشت و دولت عراق بمدت یکماه طفره رفت، لکن رژیم جدید از هر سو تهدید می‌شد و از شروع جنگی پیشرس هراس داشت. بهمین دلیل در چهارم مارس تماس‌های کردستان و حتی با ملا مصطفی برقرار گردید. بعلاوه در هشتم مارس حکومتی مشابه حکومت بغداد در دمشق بر اریکه قدرت نشست.

مسلما" زمان بر وفق مرادش پیش می‌رفت و فرماندهی شورای ملی انقلاب در بغداد به تارخ نهم مارس در اعلام به رسمیت شناختن حقوق ملی کردها از خود تردیدی نشان نداد. و در ۱۱ مارس معاون شورای انقلاب عراق، صالح علی السعدی اعلام نمود :« تصمیمی که ما اتخاذ ننموده ایم اولا" مطابق اصول حق حاکمیت ملت‌ها بر سرنوشت خود میباشد و ثانیا ثمرهٔ یک تجزیه و تحلیل عینی از موقعیت فعلی عراق است». آنگاه کردها نمایندگانی به بغداد اعزام داشتند. رئیس این هیات سرهنگ جلال طالبانی طی مسافرتهای خود به کشورهای عربی، موافقت سران عرب را از جمله جمال عبدالناصر و احمد بن بلا که رژیم‌های جدید عراق و سوریه خواهان اتحاد با آنها بود در جهت تحقق خواسته‌های کردها جلب نمود.

با وجود این در هشتم آوریل ۱۹۶۳ مذاکرات میان نمایندگان عراق، سوریه و مصر در قاهره شروع شد و در تاریخ هفدهم آوریل موافقتنامه‌ای به منظور تشکیل یک «جمهوری متحده عربی» مشتمل بر سه کشور مذکور به امضاء رسید. کردها تقاضای شرکت در این مذاکرات را نمودند لکن بی‌نتیجه ماند. بدنبال این موافقتنامه کردها خود را در شرایط کاملاً جدیدی یافتند: قومیت کرد که می‌توانست جای مشخصی در کنار قومیت عرب درملیت عراق داشته باشد به یک ملیت کاملاً عربی تغییر یافت. در برابر این شرایط جدید کردها ناگزیر در ۲۶ آوریل یادداشت مفصلی برای دولت عراق ارسال داشتند. برای اولین بار در این یادداشت حدود کردستان عراق[1] و همچنین خواست کردها در تمام زمینه‌ها سرانجام سرنوشت انها هنگام ورود احتمالی عراق در جمهوری متحدهٔ عربی دقیقاً مشخص گردیده است یادداشت مزبور رژیمی را که در کردستان عراق باید مصدر امور گردد به این شرح توصیف میکند. یک شورای اجرایی و یک شورای قانونگذاری کرد مسئولیت تمامی امور مربوط به یک دولت محلی را بعهده گیرند. بعلاوه در خواست می‌نماید، نمایندگانی از کردها در سازمانهای مرکزی که شامل: مجلس ملی، وزارتخانه‌ها کارکنان و حتی دانش آموزان مدارس و غیره میباشد به نسبت جمعیت حضور داشته و بالاخره

---

[1] (۱)- سرحدات کردستان عراق عبارتند از: مناطق سلیمانیه، کرکوک. اربیل و مناطق مسکونی ناحیه موصل و دیاله.

توزیع نسبی منابع را درخواست می‌نماید.[1] ناگهان در دهم ژوئن دولت بغداد اولتیماتمی به کردها داد و از آنها خواست ظرف بیست و چهار ساعت سلاحها را بر زمین گذاشته و همزمان با آن با یک خود مختاری که اختیارات آن بعداً مشخص می گردد موافقت دارد. رادیو بغداد اعلام نمود که جایزه‌ای معادل ۱۰۰۰۰۰ دینار برای کسی که ژنرال بارزانی را بقتل برساند تعیین گردیده است . وانگهی حمله تهاجمی عراق سه روز قبل از اعلام التیماتوم شروع شده بود و چنگ دوباره آغاز می گردد.

نتیجه

تقریباً ۲۰٪ جمعیت کشورهای ترکیه، عراق و ایران که در مجموع بالغ بر ده میلیون نفر می‌باشد اقلیت‌های قومی کرد را تشکیل می‌دهند که در مناطق بهم پیوسته ساکن هستند. مساله کرد یک مساله اساسی است که وجود این اقلیت‌ها و جنگی که آنها برای کسب حقوق حقه خود براه انداخته اند آنرا مطرح می‌سازد و در حال حاضر جنگ بیرحمانه‌ای که بین کردها از یک طرف و دولت عراق از طرف دیگر در جریان است مهمترین عاملی است که مساله کردها را بطور

(۱)- در این باره میتوان اهمیت این درخواستها را در آنچه که مربوط به نفت است بر شمرد. زیرا معادل یک سوم درآمد نفتی کشور را دربر می گیرد. موضوع پیچیده است زیرا از یک طرف سه چهارم منابع نفتی در کردستان است لکن از طرف دیگر خروج نفت فقط در سرزمینهای عراق و سوریه صورت می گیرد.

عام مطرح و حتی در خود عـراق بصـورت یـک موضـوع سیاسـی روز درآمده است.

جنگ عراق بر علیه کردها منجر به واژگونی رژیم قاسم گردیـد و ادامهٔ آن در حال حاضر یکی از دلایل ضعـف افزاینـده رژیـم جدیـد است. این جنگ نه تنها در ورای مرزهـای عـراق بلکـه در تمـام منطقـه نقش مهمی را ایفا نموده و از انعکـاس چشـمگیری برخـوردار اسـت و اساساپ کشورهای ترکیـه، ایـران، مصـر و سـوریه و از برخـی جهـات تمامی کشورهای منطقه را تحت نفوذ قرار می‌دهد.

اظهارات اتحاد جماهیر شوروی در یازدهم مـاه ژوئـن ۱۹٦۳ بـه این مساله جنبه بین المللی داده است؛ ایـن اظهـارات تحریکـی بـر علیـه منافع اساسی آمریکا و سایر قدرتهای غربی بود و توجه سایر دول علـی الخصوص آفریقای سیاه را بـه نتـایج ایـن درگیریهـا معطـوف داشـت و انعکاس در سطح بین المللی طنین انداز شد و عقیـده عمـوم را بیـش از پیش به شناخت مساله کرد و آگاهی از وخامت آن بخود جلب نمود.

مسلماً باید بخـاطر داشـت کـه مسـاله کـرد بـا درگـیری نظـامی کردها و دولت عراق کاهش نمی‌یابد و نباید فراموش کرد کـه بیـش از ۸۰٪ از کردهـا خـارج از عـراق و قسـمت عمـده آن در ترکیـه و ایـران زندگی می کنند. پر واضح است کـه جنـگ کردهـا بـر علیـه عـراق در موقعیت کردهای کشورهای مذکور تاثیر بسـزایی دارد. زیـرا از طرفـی نیروی محرکه ایسـت بـرای توسـعه نهضـت ملـی آنهـا از طرفـی دیگـر ارضای خواسته‌های نسبی آنان در مورد خـود مختـاری تمـایلات خـود

مختاری طلبانه کردهای ترکیه و ایران را تقویت خواهد نمود.

بعلاوه نباید از نظر دور داشت که گسترش جنگ نظامی و طبیعت نیروهای اجتماعی که بر له یا بر علیه کردها موضع گیری می‌کنند نتایج بسیار مهمی در مساله کرد خواهند داشت. اگر جنگ نظامی مدت مدیدی بطول انجامد واگر کردها از حمایت نیروهای عرب عراق برخوردار نباشند ممکن است پا فشاری فعلی آنها در تشکیل یک قومیت خود مختار در چارچوب دولت فدرال عراق، آنها را تسلیم گرایشهای افراطی که خواهان یک دولت مستقل در کردستان عراق باشد نکنند.

همچنین اگر در سایر دول عرب بنفع دولت فعلی عراق صف آرایی کنند، نهضت ملی کرد بجای پیوستن به جهان عرب برای کسب حقوق حقه خود در ترکیه و ایران به دشمن آنان مبدل خواهد شد. و سرانجام، مطمئنا" کردها از حمایت‌ها و یا عنادهای بین المللی بی‌بهره نخواهند بود؛ اگر غربیها از آن حمایت کنند در نتیجه کردها نیز مانند ترکیه و ایران متمایل به غرب خواهد شد. و بر عکس اگر تنها از بلوک شوروی کمک دریافت کنند، به یک دولت دموکراتیک ملی و متحد با جهان سوسیالیست تبدیل خواهند شد؛ و چنانچه با دو بلوک متحد شود احتمال دارد که بصورت غیر متعهد باقی بماند.

مساله کرد که تا کنون بیان گردید همواره نقش فزاینده‌ای را در سرزمین کردها و کل این ناحیه در جهان بازی می‌کند. سرزمین کردستان با منابع طبیعی سرشار آن (منظور منافع نفتی است) ، و

جمعیت محروم و توده‌های بینوا و تولید کننده آن و روشنفکران نخبه‌اش که امروزه در کشورها ی مختلف پراکنده هستند. نیاز به نوعی وحدت و هماهنگی دارند که هیچگاه در طول تاریخ تحقق نیافته است و همین امر سبب گردیده که ابرقدرتها از ناهماهنگی موجود در بین آنها به نفع خود سود جسته و موجبات تفرقه و نفاق را در بین آنها فراهم نموده است.

ملحقات

الف- متن رسمی کامل مواد عهدنامه «سور» «Sevre» در باره مساله کرد (بتاریخ دهم اوت ۱۹۲۰)

بخش سوم کردستان

ماده ٦٢- کمیسیونی مرکب از سه عضو از نمایندگان کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا در استامبول تشکیل و ظرف شش ماه از تاریخ اجرای عهدنامه خود مختاری محلی مناطق کرد نشین واقع در شرق فرات و در قسمت جنوبی سرحدات ارامنه و شمال مرز ترکیه و سوریه و بین النهرین را مطابق مواد ۲۷ ، ۲ ، ۳ عهدنامه تهیه و تنظیم نماید. و در صورت عدم توافق، اعضاء کمیسون مساله را به دولتهای متبوع خود منعکس خواهد نمود. این طرح میبایستی برای حفاظت آسوری ها، کلدانیها و سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی در محدوده این مناطق تضمین‌های لازم را در بر داشته باشد و بهمین منظور کمیسونی مرکب از نمایندگان انگلیس ، فرانسه، ایتالیا، ایران و کردها از منطقه بازدید

خواهند نمود تا در صورت نیاز به تغییرات لازم را در مرزهای ترکیه و ایران در برخورد با مفاد عهدنامه تصمیمات لازم اتخاذ نمایند.

ماده ۶۳- دولت عثمانی از هم اکنون ملزم به پذیرش و اجرای تصمیمات کمیسیونهای پیش بینی شده در ماده ۶۲ خواهد بود.

ماده ٦٤- اگر تا یکسال از تاریخ اجرای عهدنامه حاضر، کردهای ساکن مناطق مورد بحث در ماده ٦٢ از سازمان ملل تقاضا کنند که اکثریت جمعیت این مناطق خواهان جدایی از ترکیه هستند، در صورت تشخیص سازمان ملل دایر بر توان استقلال آنها و موافقت با این امر، ترکیه از هم اکنون ملزم به پذیرش توصیه سازمان ملل و صرفنظر از تمامی حقوق و عناوین خود در این مناطق می‌باشد، که جزئیات آن در عهدنامه‌ای ویژه بین کشورهای اصلی متحد و ترکیه مورد بحث قرار خواهد گرفت و در صورت توافق با این امر هیچیک از دول متفق حق مداخله در امر پیوستن ارادی کردهای ساکن ولایت موصل به این حکومت مستقل کرد را ندارند.

ب- چکیده‌ای از برنامه حزب دموکراتیک کردستان عراق:

(در نشریه عرب زبان الندال به چاپ رسیده و ترجمه آن در شماره ۱۳ سه ماهه اول سال ۱۹٦۰مجله اورینت ·Orient· منتشر شده است.)

ماده۱- نام حزب ·حزب دموکراتیک کردستان عراق· است.

ماده۲- حزب ما یک حزب دموکراتیک انقلابی است که بیانگر منافع، کارگران، کشاورزان، کارمندان، هنرمندان و روشنفکران

انقلابی کردستان عراق است.

ماده۳- در مبارزات سیاسی و در تجزیه و تحلیل‌های اجتماعی، حزب ما از دکتر نضریه یمن علمی مارکسیسم و لنینیسم پیروی می‌کند.

ماده٤- مبارزه ما بخاطر حفظ جمهوری دموکراتیک عراق به منظور گسترش و تعمق بخشیدن به استعداد دموکراتیک آن بر اساس آزادی بیان وعقیده و آزادی مطبوعات و تشکیلات حزبی و سندیکایی برای شهروندان می‌باشد و همچنین مبارزه ما بخاطر به تصویب رساندن یک قانون اساسی مشخص که انتخابات آزاد و مستقیم را برای همه شهروندان اعم از زن و مرد که به سن ۱۸ سال کامل رسیده باشند، تضمین نماید و نیز بخاطر اتخاذ تصمیمات جدی و قاطع بر علیه دشمنان جمهوری از طریق پاکسازی نهادهای نظامی و کشوری و تحکیم بخشیدن به قدرت دفاعی نیروهای نظامی در حفظ و حراست از سازمانهای مردمی می‌باشد.

ماده٥- الف- جنگ ما برای حفظ صلح جهانی و جلوگیری از تنش‌های بین المللی است. ولی در عمل از نتایج کنفرانس ·باندوک· Bandocang· و قوانین سازمان ملل و اصول همزیستی مسالمت آمیز الهام می گیریم و خواهان حل مسائل بین المللی از طریق مذاکره و همچنین ممنوعیت سلاحها و آزمایش‌های هسته‌ای می‌باشیم.

ب- سیاست ملی ما یک سیاست ضد امپریالیستی است، زیرا بنظر ما امپریالیسم به عنوان یک خطر جدی عراق و ملت کرد را تهدید

می کند. لذا خواهان الغاء تمامی آنچه که حدود و ثغور و استقلال عراق را خدشه دار سازد میباشیم. و نیز خواهان روابط دوستی محکم با کشورهای جهانی علی الخصوص بلوک سوسیالیست بر اساس رعایت حقوق طرفین می‌باشیم و همچنین خواهان اجرای یک سیاست برادری در قبال کشورهای متحد عربی و بلوک آفریقایی، آسیایی بوده و از جنبش‌های آزادی بخش که بخاطر استقلال و کسب حقوق خود گردانی مبارزه می کنند حمایت می کنیم.

ماده۶- مبارزه ما بخاطر تحکیم روابط برادری ملتهای عرب و کرد و اقلیت‌های قومی: آسوری، ترکمن، ارامنه و غیره بوده و در جهت ایجاد وحدت ملی و پیشبرد حقوق حقه قوم کرد بر اساس خود مختاری داخلی در چارچوب وحدت عراق و ثبت آن در قانون اساسی تلاش خواهیم نمود. و نیز بر علیه شونیسم ·Chauvinisme· و جهان وطنی ·Cosmopolitisme· وجدایی طلبی ·Separatisme· مبارزه خواهیم کرد.

ب- مبارزۀ ما بخاطر تحکیم روابط برادری، دوستی و همکاری با حزب کمونیست عراق، حزب ملی دموکراتیک و سازمانهای دموکراتیک پیشرو بوده و بخاطر ایجاد وحدت مبارزه میان حزب ما و سایر احزاب کمونیست و سازمانهای دموکراتیک پیشرو جهان است.

ماده ۷- ما تلاش می کنیم تا اینکه قوم کرد حق حضور و شرکت در تمام خدمات دولتی و کلیه مؤسسات نیمه رسمی را داشته و بتواند به نسبت جمعیت و با در نظر گرفتن حقوق اقلیت‌های ساکن

کردستان از مشاغل عمومی بهره مند گردد.

مواد ۸ تا ۲۰ معیارهای تحسین آمیز اقتصادی واجتماعی را به تفصیل بیان می کند.

ماده ۲۱- حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اقلیت‌های قومی آسوری، ترکمن و ارمنی کردستان باید از طریق ایجاد مدارس مخصوص بخود و تجدید حیات ملی بیشتر آنها و حفظ منافع و تضمین کامل برابری آنها، برادران کرد در تمامی زمینه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ماده ۲۲ - برای اینکه ماده ۱۹ قانون اساسی موقت در قانون اساسی نهایی بوده و همچنین این ماده در مورد پناهندگان سیاسی کرد که به دلیل جنگ رهایی بخش ملی خود به عراق مهاجرت نموده اند به اجرا درآمده و پناهندگان بایستی کمکهای لازم را از جمهوری دریافت دارند.

ماده ۲۳- ما از جنگ قوم کرد در قسمتهای مختلف کردستان به منظورهایی از یوغ امپریالیسم و ارتجاع حمایت می کنیم و نیز تلاش برای کسب حقوق ملی کرد در خود گردانی است.

ج- یادداشت کردها

که در تاریخ ۲٤ آوریل ۱۹٦۳ بعنوان اساس مذاکره در مورد آینده کردستان بدولت عراق ارائه شده است.

دیباچه

برادری کرد وعرب به منظور تحکیم روابط پایدار و عواملی که از ظهور اسلام تا کنـون آنـان را بهـم پیونـد داده و همچنیـن ایثـار گری صادقانه به منظور همزیستی کرد و عرب ادامه نخواهد یافت مگر اینکـه اساس این همزیستی را بر پایه محکـم و استوار بنـا نهـاد. و در صـورت امکان بر اساس واقعیتهای تاریخی.

بهترین پیوند میان ملتها صرفـاً از طریـق وحـدت بـرادری خـود جوش بوجود می‌آید و تنها از این راه می‌تـوان بـه ادامـه و شـکوفایی و توسعه روابط کرد و عرب مطمئن بود و یک پیوند نا گسستنی آنچنـانی را فقط از راه جنگ و با ایجاد مشکلات و خصومت میـان ملتهـا از هـم پاشید؛ زیرا وحدت و برادری هنگامی جامه عمل بخود می‌پوشد، که بر اساس به رسمیت شناختن صریـح و کـامل حقـوق ملتهـای همزیسـت و توانـایی آنهـا در اجـرای خواسـته‌های ملـی دموکراتیـک خـود در چارچوب کلی این اتحـاد باشـد. تـاریخ نشـان داده کـه وحـدت ارادی ملتها از بهم پیوستن و یـا جـذب اجبـاری قویـتر و یـا محکـم تـر اسـت. بدیهی اسـت وحـدت ارادی توسـعه و تکـامل می‌یـابد در حالیکـه بهـم پیوستگی الزامی بتدریج پژمرده و نابود می‌شود.

تاریخ همچنین نشان می‌دهد وحدت دولت بر پایـه اتحـاد ارادی می‌تواند محکم، استوار و شکوفا و پـایدار بمـاند، برعکـس اگـر اتحـاد دولت بر اساس جبر و زور بنا شده باشد ضعیـف و هـر آن محکـوم بـه

فناست.

قدرت ملی دولتهـای جدیـد بـر ایـن واقعیـت استوار اسـت کـه ملیت‌های بـرادر در امـور سیاسـی، اقتصـادی، فرهنگـی و اجتمـاعی در دولت فدرال سهیم باشند. در حقیقت ایـن روش بهـترین تضمیـن ادامـه حیات وحدت آزادی آنها خواهد بود.

قـدرت ملـی عصـاره و پایـه محکـم اتحـاد را تشـکیل می‌دهنـد. کشورهایی چون سوییس، یگوسلاوی، چک اسـلو واکـی، فدراسـیون هند و نیجریه، تمام آنها عالیترین نوع اتحاد ارادی را به نفع همه و حتـی از لحاظ وحدت خود دولت اجرا نمـوده انـد. منـافع ایـن نـوع وحـدت متعدد و پر محتوا است. تا آنجا که سایر ملـل آنـرا بعنـوان بهـترین نـوع دموکراسی تلقی می‌کنند. این حالت در مـورد جمهـوری متحـد عربـی که از سه کشور عربی تشکیل یافته صادق است.

بدین طریق ملیت‌های برادر کـه در یـک دولـت واحـد زندگـی می‌کنند توسط مشـاورین مخصـوص قـانونی و اجرائـی از حقـوق ملـی خود برخوردارند. عناصر تشکیل دهنده این دولت نه تنها وحـدت آنـرا حفظ میکنند بلکه آنرا بطور گسترده‌ای تـائید و تحکیـم می‌بخشـند. در پرتو این واقعیتها، میتوان گفت که برای اجرای خواسـته‌های بحـق ملـی قوم کرد و با ایثار گری و صداقت در برابر وحدت ملی مردم عراق کـه می‌خواهیم به آن نیرو، ثبات و خوشبختی بخشیم قبـول ایـن طـرح گـام مهمی در تحکیم واقعی وحـدت عـراق و تـائید بـرادری عـرب و کـرد خواهد بود. امیدواریم که دولـت فعلـی عـراق، اصـول عقـایدی را کـه

سران حـزب خواهـان آن هسـتند، یعنـی اصـول حقـوق اقـوام در خـود گردانی و برادری عرب و کرد اجرا نموده و به آن جامه عمل بپوشاند.

متن پیشنهادات کردها

۱- جمهوری عراق از دو دولت اصلی عرب و کرد که از حقـوق برابـر برخوردار خواهند شد تشکیل میگردد. هر دو ملت خواسته‌های خود را بر اساس حقوق خود گردانی بیان نموده اند.

۲- قانون اساسی عراق باید شامل موادی مربوط به مجلـس عـالی قـانون گذاری ریاسـت جمهـور و دولـت باشـد، و همچنیـن شـامل مـوادی بـه منظور تشکیل یک کمیته ملی باشد که کردها امکان تحقق بخشیدن بـه حقوق حقه خود از لحاظ قانونی، اجرایی و حقوقی در منطقه کردستان را می‌دهد.

۳- مواد زیر از اختیارات دولت مرکزی خواهد بود:

- رئیس دولت

-امور خارجه

الف- نمایندگان سیاسی، کنسولی و تجاری.

ب- موافقتنامه‌ها و قراردادهای بین المللی

ج- سازمان ملل

د- اعلام جنگ و پذیرش صلح

- نشر اسکناس

-امور فنی

-گمرکات

- بنادر و فرودگاههای بین المللی

-پست، تلگراف، تلفن

-راه آهن و راههای اصلی

-مسائل شهروندی

-تنظیم بودجه ملی

-نظارت بر فرستنده‌های رادیو تلویزیون

-انرژی اتمی

۵-۳ سهم کردستان در کمکها و وام‌های خارجی که دولت عراق دریافت می‌کند به نسبت جمعیت کل خواهد بود.

۵-٤ وام‌های داخلی، وام‌های غیر نظامی و کمکی که خود کردستان تهیه خواهد نمود.

۵-۵ صادرات تنباکو، محل سرمایه گذاریها و جنگلها.

۵-٦ کردستان باید به نسبت جمعیت از مؤسسات، سازمانها و طرحها و خدمات اداری و درآمد ملی بهره مند گردد.

٦- کردستان شامل مناطق سلیمانیه، کرکوک، اربیل و کاراس و ناحیه موصل و دیاله که بیشتر ساکنان آن کرد هستند می‌باشد.

۷- به همان طریق که ریاست جمهوری انتخاب می‌شود معاون او نیز از طرف کردستان و از میان کردها انتخاب و معرفی می‌شود.

۸- به منظور حفظ وحدت ملی، قانون اساسی باید حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه کردستان و همچنین آزادیهای

دموکراتیک و مذهبی گروههای اقلیت شهروند ترکمن، آسوری، کلدانی و ارمنی و سایر فرقه‌های مذهبی را برابر با حقوق ملتهای عرب و کرد تضمین نماید و نیز نمایندگانی در مجلس قانون گذاری و شورای اجرایی به نسبت جمعیت برای تمام گروهها در نظر بگیرد.

مواد کلی

۱- تعداد نمایندگان کردستان در مجلس ملی به نسبت جمعیت منطقه در رابطه با جمعیت کل عراق خواهد بود.

۲- تعداد وزراء در کابینه دولت مرکزی نیز به همان نسبت خواهد بود.

۳- تعداد کارکنان کرد در وزارتخانه‌های مرکزی نیز به نسبت جمعیت می‌باشد.

٤- تعداد دانشجویان کرد در دانشگاه بغداد در مؤسسات عالی به نسبت جمعیت خواهد بود و ضمناً بورسهای اعطای دول خارج و دولت عراق به نسبت جمعیت بین دانشجویان کرد تقسیم خواهد شد.

۵- یکی از آجودانهای فرمانده نظامی کرد خواهد بود.

٤-۱ قوم کرد از طریق شورای اجرایی که از بین نمایندگان مجلس قانون گذاری که از مسیر انتخابات آزاد و با رای مخفی ساکنان کردستان انتخاب خواهد شد و از حقوق ملی خود برخوردار میگردند.

٤-۲ دولت ملی (محلی) در صورت تصویب ماده ۲ مسئولیت موارد زیر را بر عهده خواهد داشت:

قضاوت، امور داخلی، امور اجتماعی، تعلیم و تربیت، سرمایه

گذاری و برنامه‌های عمرانی و تمام مواردی که خارج از اختیارات دولت مرکزی است.

٤-٣ مجلس قانون گذاری از طریق قوانین مربوطه حقوق مذکور در پاراگراف (٤-٢) را اجرا خواهد نمود. همچنین این مجلس رئیس شورای اجرایی را انتخاب نموده و از اختیارات قانونی دایر بر عزل و نصب رئیس و اعضای شورا برخوردار می‌باشد.

٤-٤ شورای اجرایی ابتکار عمل را در مورد سازمانهای ملی مندرج در بند ٤-٣ بدست گرفته و قوانینی را که شورای قانون گذاری و یا حکومت مرکزی در مورد کردستان به تصویب می‌رساند بطور مؤثر اجرا نماید و کارمندان سازمانهای اداری و خدماتی منطقه را تعیین نمود و در مقابل شورای قانون گذاری مسوولیت تمامی امور مربوطه را بعهده خواهد گرفت.

- اعتبارات مالی سازمانهای ملی منطقه کردستان از طریق منابع زیرین تامین خواهد شد:

٥-١ از طریق منابع محلی، مالیاتهای دریافتی از کردستان.

٥-٢ سهم کردستان نسبت به جمعیت کل عراق.

- از درآمد نفتی، گمرکات، فرودگاهها، بنادر، درآمد ارزی و بانکی، راه آهن، پست، تلگراف و تلفن.

پس از کسر هزینه‌های زیرین:

- ریاست جمهور، وزرای دفاع، امور خارجه، کارشناسان، هزینه‌های وزارت نفت، پست و تلگراف و تلفن، مدیریت سرمایه

گذاری، هزینه‌های راه آهن و جاده‌های عمومی به نسبت طول راههای کردستان در مقایسه با طول راههای عراق.

٦- ارتش عراق سهم فعلی خود را حفظ خواهد نمود ودر صورت تغییر نام برای قسمت کردستان اسم ·فیلق· ·Failay· سپاه کردستان را انتخاب خواهد نمود.

٧- پسران کرد خدت خود را در ارتش عراق انجام خواهند داد وافسران و درجه‌داران کرد که بدلایل سیاسی ملی اخراج شده اند مجدداً به خدمت عودت داده می‌شوند.

٨- در مدارس نظامی، پلیس، فرماندهی، هواپیمایی و سایر مؤسسات نظامی تعداد دانشجویان کرد به نسبت جمعیت خواهد بود.

٩- در صورت احتمال حمله بیگانه و یا تهدید واقعی دشمنان خارجی بر علیه جمهوری عراق دولت مرکزی ملزم به اعزام نیروهای کمکی به منطقه خواهد بود و در سایر موارد جلب موافقت شورای قانون گذاری و اجرایی کردستان لازم و ضروری است.

١٠- هجوم نظامی ارتش عراق به منطقه کردستان باید با موافقت شورای قانون گذاری و یا بر اساس تقاضای شورای اجرایی صورت گیرد.

١١- در صورت پایمال نمودن حقوق ملی کرد و یا جلو گیری از برخورداری از آن کلیه قوانین مربوط باطل و کان لم یکن تلقی خواهد شد.

١٢- اعلام حکومت نظامی جز در موارد اعلام جنگ و یا

احتمال وقوع حمله خارجی باید با موافقت شورای قانون گذاری صورت بگیرد.

۱۳- یکی از وزرای فعلی کرد، باید مامور تشکیل شورای اجرایی موقت دایر بر انجام امور موقت شورا گردد و انتخابات شورای قانون گذاری نباید بیش از چهار ماه از تشکیل شورای موقت تجاوز نماید.

۱٤- اثرات صدمات وارده دولت بر افرادی که در جنگ کردستان متحمل خسارت‌های شده اند باید ظرف چهار ماه جبران گردد.

۱۵- در صورت تغییر ملیت عراق به ملیت عرب باید در مدارک آنها مانند شناسنامه، کارت هویت و پاسپورت و غیره ملیت کرد قید گردد.

۱٦- اگر پرچم و علامت دولت عراق تعویض شود به هر کدام باید یک سمبل کرد اضافه گردد.

د- گزیده‌ای از التیماتوم بعثی‌ها
در دهم ژوئن ۱۹٦۳ به حزب دموکراتیک کردستان

(ازشورای ملی فرماندهی انقلاب که در همان تاریخ از رادیو بغداد پخش و توسط خبرنگار B.B.C ضبط گردیده است):

هم میهنان، شورای فرماندهی انقلاب در اولین اعلامیه خود و همچنین در اعلامیه بعدی و نیز در برنامه انتقالی انقلاب، ایمان و اعتقاد راسخ خود را به وفاداری کردها و شرکت گسترده آنان در فعالیتهای

سعادت بخش و پیشرفت عراق اعلام نموده است. از همان آغاز، دولت ملی با نهایت صداقت و دوستی برای دستیابی به یک راه حل مسالمت آمیز برای مسالهایکه گریبانگیر رژیم قاسم بوده کوشیده است و این مساله تا کنون لا ینحل مانده و باعث ویرانی اقتصاد ملی شده و خطرات جدی برای امنیت ملی ایجاد نموده و مانع بازسازی برنامههای عمرانی مناطق شمال شامل پروژههای صنعتی آبیاری و اصلاحات ارضی و ایستگاههای کشاورزی و پروژههای جلب سیاحان گردیده است. گروههای نفاق افکن فئودال که بخاطر ارتباط با امپریالیسم، ارتجاع و صهیونیسم شهرت دارند و مدت مدیدی از رژیم ارتجاعی و دیکتاتوری قاسم حمایت کرده اند به رفتار صادقانه دولت ملی بی توجه بوده و حقوق حقه کردها و ملت عراق را مد نظر ندارندو از ریختن خون هم میهنان عرب و کرد باکی ندارند و به امنیت و ثبات لازم برای چاره اندیشی اوضاع نابسامان عراق نمیاندیشند و همواره منافع خود خواهانه خود را بر منافع حزب و تودههای کرد ترجیح میدهند و از جاه طلبیهای فرصت طلبانه و سلطه جویانه خود بر کردها چشم پوشی نمیکنند و گانگستروار با حالت انعطاف ناپذیری عمل می کنند.

مطالب فوق لیست طویلی از سرزنشها و ملامتهارا به دنبال داشت؛ خائنین تفرقه افکن در خلال مذاکرات موجبات بینظمی را فراهم نمودند. بعلاوه سربازان و افسران کرد را به قیام مسلحانه واداشتند.

با توجه به مراتب فوق لذا به منظور حفظ منافع شهروندان و

تامین امنیت و ثبات میهن، بنحوی که دولت ملی قادر به انجام برنامه‌های مرحله انتقال که توسط شورای ملی فرماندهی انقلاب با توجه به خواست مردم دایر بر حفظ استقلال و وحدت ملی از گزند خائنین نفاق افکن مرتجع تهیه شده از امروز تصمیم گرفته شد مناطق شمال از وجود بقایای بارزانیها و چریک‌هایشان پاکسازی و مناطق یاد شده به عنوان منطقه عملیات فعال در نظر گرفته شود.

شورای فرماندهی انقلاب به این گروه خائن که بر علیه خواست ملت و بر علیه وحدت ملی اقدام می‌کنند اخطار می‌نماید که ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ پخش این آگهی سلاحهای غیر مجاز خود را تسلیم و پشتیبانی خود را از دولت ملی مردمی اعلام تا بدین طریق منطقه را از خرابیهای جنگ مصون دارند و با این اقدام همه برای یک میهن آزاد و سعادتمند تلاش کنند. در غیر اینصورت شورای ملی مسئولیت تمام نتایج شوم را متوجه رفتار خائنانه آنها می‌کند. هم میهنان، شورای فرماندهی انقلاب از همه درخواست می‌کند که به نیروهای نظامی کمک و از آنها حمایت کنند و کارکنان دولت را در جنگ علیه این گروه خائن یاری دهند و از هر گونه کمک به هر کس و بهر عنوان قویاً خودداری نمایید.

زنده باد انقلاب ۱۴ رمضان، مرگ بر خائنین تجزیه طلب و دشمنان مردم.

امضاء

شورای فرماندهی انقلاب ۱۰ ژوئن ۱۹۶۳ بغداد

((فهرست مطالب))

- مقدمه مترجم.. ب- الف
-مقدمه مؤلف..ه-د- ب-ج
-بخش اول کردها.. ۱-۱۱
-فصل یکم
کردستان
آب و هوا
منابع طبیعی
جمعیت
شیوه زندگی کردها
جامعه کرد
دین
-فصل دوم.. ۱۲-۱۹
زبان
فولکلورو ادبیات
-فصل سوم.. ۲۰-۱۳
جنبش فرهنگی کرد در قرن بیستم
جنبش فرهنگی کرد در سوریه
جنبش فرهنگی کرد در عراق
جنبش فرهنگی کرد در ترکیه
جنبش فرهنگی کرد در ایران

جنبش فرهنگی کرد در روسیه
- بخش دوم.. ۲۸-۳۸
تاریخ حرکت‌های ملی کرد
-فصل اول
کردها تا قرن نوزدهم
-فصل دوم.. ۳۹-٤٥
شورش‌های کردها در قرن نوزدهم و حرکت ملی آنها در خلال جنگ اول جهانی

-فصل سوم.. ٤٤-٥٠
عهدنامه‌های سور و لوزان:
الف. عهدنامه سور
ب. عهدنامه لوزان
-فصل چهارم.. ٥١-٥٩
مساله کرد در ترکیه
شورش ۱۹۲٥
حوادث سالهای ۱۹۲۸-۱۹۲۷
شورش در سیم(۱۹۳۸-۱۹۳۷)
موقعیت کردها در کردستان ترکیه بعد از جنگ دوم جهانی
-فصل پنجم.. ٦٠-٦٨
مساله کرد در ایران

جمهوری مهاباد
-فصل ششم.. ۷۰-۷٤

مساله کرد در روسیه و سوریه:
مساله کرد روسیه
مساله کرد در سوریه

-فصل هفتم.. ۷۵-۸۱
مساله کرد در عراق
-فصل هشتم.. ۸۲-۹۱
حوادث اخیر عراق
رژیم قاسم
درگیری نظامی(۱۱ سپتامبر ۱۹٦۱ تا ۸ فوریه ۱۹٦۳)
دوره ترک مخاصمه (۹ فوریه ۱۹٦۳ تا ۱۰ ژوئن ۱۹٦۳)
نتیجه.. ۹۲-۹٤
ملحقات.. ۹۵-۱۰۹
الف- متن رسمی کامل مواد عهدنامه سور درباره مساله کرد.
(۱۰ اوت ۱۹۲۵)
ب- چکیده‌ای از برنامه حزب دموکراتیک کردستان عراق
ج- یاداشت کردها که در تاریخ ۲٤ آوریل به عنوان اساس مذاکره در مورد کردستان به دولت عراق ارائه شده است.

د- گزیده‌ای از التیماتوم بعثی‌ها در دهم ژوئن ۱۹٦۱ به حزب دموکراتیک کردستان.
فهرست مطالب.. ۱۱۱

فهرست منابع

BARTH (frederick). Principles of social organization in Southern Kur distan, Oslo, 1953.
BEDIR KHAN (Emir Kamuran Aali). Langue kurde. Elements gram. maire. Cours donne a l'E.N.L.O.V (2vol) Paris, de 1953.
BOIS (Thomas), O.P. Cf. references citees au cours de l' ouvrage.
CHEREF EL DINE KHAN (Prince de Bitlis). Cheref Nameh (fastes de la nation kurde), ecrit en persan et traduit en francais par Francois Charmoy, Saint-Petersbourg, 1868-1875.
EDMONDS(C.J). Kurds, Turks and Arabs, Oxford University Press, Londres, 1957.
KURDOEV (KURDO K.). Grammaire russe (en kurde), Erevan,1956.
- Dictionnaire kurde-russe (caracteres latins), Moscou, 1960.
MACKENZIE (D.N.). Kurdish Dialest Studies. Oxford Universaty Press, t.I,Londres, 1961; t.II, Londres. 1962.
MINORSKY (Vladimir). Kurdes, Kurdistan, dans < Encyclopedie de l,Islam>, Paris, 1926.
NIKITINE (Basile). Les Kurdes. Etude sociologique et historique, C. Klincksieck, Paris, 1956.
RAMBOUT (Lucien). Les Kurdes et le Droit, Le Cerf, Paris, 1947.
SAFRASTIAN (Arshak). Kurds and Kurdistan, Harwill Press Ltd, Londres, 1949.
TSUKERMAN (I. I.) Elements de grammaire kurde, Moscou, 1962.
WAHEED(Major Sheikh A.). the Kurds their Country. A history of the kurdish people from earliest times to the present. Uni-Book Agency, Lahore, 1955.
ZAKI (E). Histoire des Etats et des Emirats kurdes a lepoque islamique, Bagdad, 1937. Ecrit en kurde et traduit en arabe, Bagdad, 1948.

Voir aussi les references citees citees au cours de l' ouvrage.

Kurdistan university

LE PROBLÈME KURDE
ESSAI
SOCIOLOGIQUE ET HISTORIQUE

PAR

Joyce. Blau

Traduit

PAR

Dr. P. Amini

Member d'enseignant université de kurdistan

قیمت : ۶۵۰ تومان

شابک : ۴ـ۲ـ۹۰۲۴۸ـ۹۶۴

ISBN: 964 - 90248-2-4